

# آبجکتو

اولین نشریه سینمایی رسانه ای  
دانشگاه الزهرا (س) سال دوم  
شماره پنجم

عجب از این عقل واژگونه که ما  
را در جستجوی شهدا به قبرستانها  
می کشاند. شهید سید مرتضی  
آوینی



## روح ایدئولوژی در کالبد انیمیشن

درباره انیمیشن پرطرفدار آمریکایی  
«روح» آخرین ساخته دیزنی



## پرچم سفید بر دست قمار باز

بررسی فعالیت‌های محسن چاوشی در  
آستانه انتشار آلبوم یازدهم

انهدام یا امید: کدام روی سکه؟  
امید صیقل خورده؟

آن سوی سی‌ما  
چگونه اخبار کذب را ال‌ک کنیم؟



# آینه جادو

اولین نشریه سینمایی رسانه ای دانشگاه الزهراء(س)

**صاحب امتیاز:** انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه الزهراء(س)

**مدیر مسئول:** مائده نیساری

**سرپرست:** محبوبه سادات صفوی

**نویسندگان:** محبوبه سادات صفوی، بهار سعیدی، زهرا جوان، مریم نیساری، فائزه اسماعیلی، شکوفه الهی نیا، مرضیه انبری، مائده شیخ ممبویه، فاطمه شیخ ممبویه، فاطمه زهرا کریمی، مائده نیساری

**نویسندگان مهمان:** محمد کفیلی،

سید مجتبی هاشمی

**صفحه آرا و طراح جلد:** مائده نیساری


**ویراستار:** زهرا جوان

**بازبینی نهایی:** فاطمه علیزادنیا،

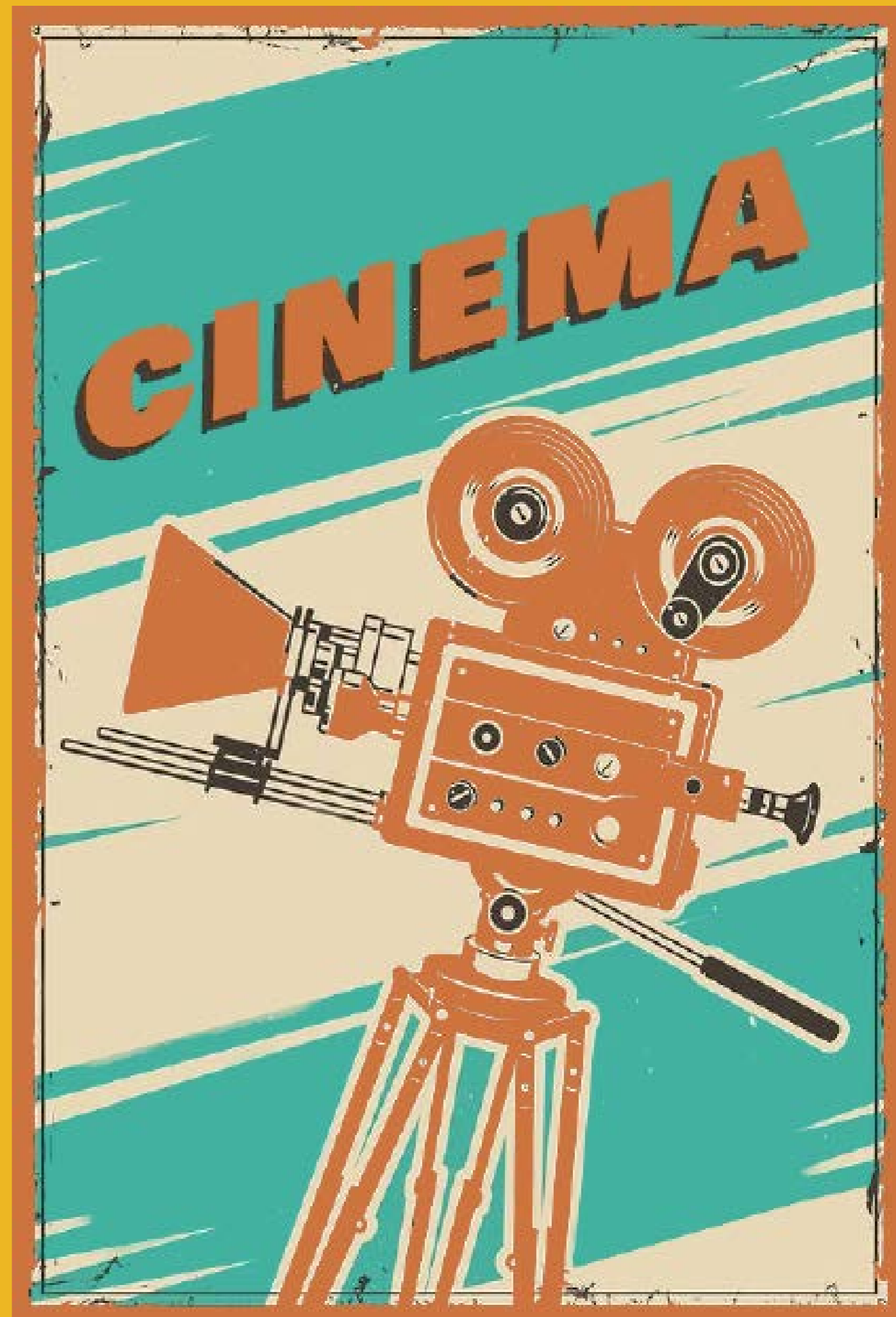
پریسا تیموری



انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه الزهراء(س)

 [anjoman\\_eslami\\_alzahra](https://www.instagram.com/anjoman_eslami_alzahra)

 [anjomanalzahra](https://www.telegram.com/anjomanalzahra)



# فهرست مطالب

سرمقاله ..... ۵

سفن سردییر ..... ۶

**سرویس رسانه**

رسانه یاغی ..... ۸

بازار شاه ..... ۱۰

سیاه چاله ای به نام مجازی ..... ۱۲

چگونه افبار کذب را الک کنیم ..... ۱۴

**سرویس سینما**

آن سوی سی نما ..... ۱۷

تا کی آخر چو بنفشه، سر غفلت در پیش ..... ۱۸

نقش زنان در سینمای قبل و بعد از انقلاب اسلامی .. ۲۰

دیالوگ ..... ۲۳

**سرویس موسیقی**

پرچم سفید در دست قمار باز ..... ۲۵

**سرویس انیمیشن**

روح ایدئولوژی در کالبد انیمیشن ..... ۲۹

**سرویس هنرهای تجسمی**

انهدام یا امید؛ کدام روی سکه؟ ..... ۳۳

**یک لقمه کتاب**

ای کاش وقتی ۲۰ ساله بودم میدانستم ..... ۳۵

فاطمه فاطمه است ..... ۳۶

**سرویس خبری**

امید صیقل خورده! ..... ۴۰

فراخوان ..... ۴۱

## سرمقاله



اولین نشریه سینمایی، رسانه‌ای و فرهنگی دانشگاه الزهراء، «آینه جادو»، در آستانه دو سالگی خود، پنجمین شماره از خود را منتشر کرد. در چهار شماره قبلی به بررسی وضعیت بدنه‌ی بزرگی از فرهنگ و رسانه، سینما، رسیدگی کردیم؛ از نگاه‌های مختلف به آن توجه کردیم، تعدادی از آثار سینمایی موفق و کم اقبال را بررسی کردیم، تحلیلی بر فضای فرهنگی و رسانه‌ای کشور نوشتیم و در شماره چهارم به بررسی ابعاد هنری و رسانه‌ای طلایه‌دار هنر سینمایی انقلاب، شهید سید مرتضی آوینی پرداختیم.

در این دو سال افراد زیادی برای تولید و تهیه این نشریه و محتوای فرهنگی و رسانه‌ای آن زحمت کشیدند؛ پرداختن به حوزه‌ای که کمتر تشکل و نشریه‌ی دانشجویی به صورت متمرکز روی آن، فعالیت کرده است، چالشی جدید، جذاب و البته سخت بود. این نشریه دانشجویی از تمام مخاطبان این نشریه و دانشجویان گرامی دغدغه مند که در حوزه‌های رسانه‌ای و فرهنگی مانند، سینما، موسیقی، تئاتر، هنرهای تجسمی، شعر و کتاب، علاقه به فعالیت دارند دعوت میشود که با مراجعه به آیدی تلگرام انجمن اسلامی و یا ایمیل مدیر مسئول نشریه آمادگی خود را برای شروع همکاری اعلام کنند.

با امید موفقیت شما دوست داران فرهنگ

مأده نیساری  
مدیر مسئول نشریه آینه جادو

عبدالرحمن  
این عقل با بزرگو نه که ما را در حبت دجی شهر ا به  
فهرست منابع کتاب  
سید قاسمی آزادی القادری

# سرویس رسانه



## سخن سردبیر

فتبئنا...

ندانستن دردی است که مبتلایان به آن زیر بار داشتنش نمی روند و ویروسی است که از طریق افکار انتقال می یابد. عدم آگاهی همیشه از مواردی است که باعث ضربه خوردن و ضرر کردن بوده است. امروزه نیز بخشی از رسانه علی الخصوص فضای مجازی همان فضای آلوده ی افکار بی اطلاع و نظریه های کارشناسی نشده است. ویروسی که سالیان سال است به جان بشر افتاده و کمتر کسی بوده که متوجه آن شده و از خطر آن برای جهانیان واهمه داشته باشد، نداشتن سواد رسانه ای است. کمتر کسی هست که هر خبر از راه رسیده ای که صحت و سقم آن مشخص نیست را باور نکند. اکنون هرکس خود را در هر زمینه ای متخصص می داند و نظریه های به اصطلاح کارشناسانه ارائه و عده ای دیگر را با خود همراه میکند؛ و این مسئله عاملش فضای بی حد و حصری است که رسانه به هرکس داده است. مع الاسف گاه و بی گاه شاهد اخبار ناخوشایندی در سطح جامعه هستیم، اخباری که افکار، احساسات و غیرت هر بیننده و شنونده ای را برمی انگیزد و در اینجاست که نظرات بی سوادان رسانه ای سبب تشویش اذهان عمومی می شود. فارغ از اینکه هر مسئله ای نیاز به نگاه کارشناسانه دارد و باید از جوانب روانشناسی، اجتماعی، فقهی و... بررسی شود. حوادث و مسائل پیش آمده، اولاً نیازمند شناسایی، سپس تحلیل و در آخر نیازمند "راهکار" های صحیح و برون رفت از مشکلات است که باید توسط متخصصین ارائه شود.

محبوبه سادات صفوی

استمرار وضع موجود و اشاعه همین مفهوم خواهد بود. طبع اولیه بشر نیز از آن جا که این فرهنگ را در خدمت تعیین حوائج خویش می‌یابد، به راحتی فریب می‌خورد و آزادمنشی را مساوی با انکار اخلاق و مذهب، پرستش لذت و پشت پا زدن به قوانین حدود می‌گیرد.»

آوینی بر این باور بود که برای مواجهه با پدیده‌ای چون ویدئو، هرگز نباید اصل را بر ممانعت گذاشت، چرا که گسترش آنها در دنیا امری خارج از اختیار و به مقتضای تاریخ است. چه بسا که ممانعت از ورود و استفاده از ویدئو خواستاران آن را حریص‌تر کند و چرا باید کار را به گونه‌ای سامان داد که تماشاگران ویدئو ناچار باشند برای تماشای فیلم‌های مجاز نیز روی به زندگی قاچاق بیآورند که این از اصل وجود ویدئو خطرناک‌تر است.

طبق آنچه گفته شد آوینی انقلاب اسلامی را یک انقلاب فرهنگی می‌داند در جهانی که به صورت یک دهکده جهانی با یک فرهنگ واحد درآمده است؛ یعنی فرهنگ غرب. او باور داشت که نظام اسلامی ماهیتی فرهنگی دارد و فقط از این طریق هم لطمه می‌بیند. بلاشک اگر در خصوص نحوه کنترل فضای رسانه‌های برنامه ریزی جدی و صحیحی صورت نگیرد و در خصوص بسط فرهنگ واحد مختص به این دهکده جهانی در فضای رسانه‌ای و به تبع آن فضای ذهنی مردم چاره جویی نشود، در رقابت بین انقلاب اسلامی که به قول آوینی یک توبه تاریخی است و فرهنگ مختص به این دهکده جهانی یعنی فرهنگ الحادی، غربت انسان از حقیقت، بازنده میدان خواهیم بود.

“

**اگر تمام رسانه‌های نوین امروزی را مصداقی از رسانه یافسی بدانیم، آنچه در مقدمه گفته شد کاملاً روشن می‌گردد. نظرات شهید آوینی در خصوص رسانه یافسی چند دهه گذشته، وضعیت و ماهیت رسانه های حال حاضر را به درستی فاش می‌کند. گویا آوینی تمام آن‌ها را همین چند وقت اخیر و درباره شبکه ای چون اینستاگرام نوشته است!**



چنین موجبیتی را به همراه دارد و ما نه تنها ویدئو بلکه به زودی زود ماهواره را نیز باید بپذیریم. در عوض باید در این باره بیاندیشیم که چگونه بر محتوای ویدئوها چیره شویم و معتقد بود که تسخیر ویدئو جز با رسیدن به معرفت نسبت به ماهیت ویدئو و غلبه روحی بر حقیقت آن ممکن نیست.

آوینی فرهنگ تصویری را فرهنگ غفلت می‌خواند. اما معتقد است این خصوصیت به تمدن غرب و لوازم و تبعات آن باز می‌گردد، به سینما یا ویدئو و یا ماهواره. او فرهنگ غرب را از این منظر که فرهنگ اباحه گری می‌داند جذاب می‌خواند. آوینی در این باره می‌گوید: « لفظ اباحه گری را در برابر مفهومی گذاشته‌ایم که غالباً به آزادی خواهی و آزادمنشی ترجمه شده. مفهوم آزادی خطرناک ترین و زیان بارترین ثمره فرهنگی است که تمدن غرب داشته است. این مفهوم با مدل آزادی در فرهنگ ما کاملاً متعارض است. آنچه توسط شبکه‌های ویدئویی در سراسر جهان اشاعه می‌یابد، فرهنگی است که با مفهوم آزادی اباحه گری ملازم است. بشر امروز این مفهوم را عین ذات خویش می‌بیند و اگر به آن بتازند، انگار می‌کند که به انسانیت تاخته‌اند. بزرگترین خطر فرهنگی ویدئو و نیز اشاعه همین مفهوم آزادی است. فیلم سازان عموماً مومن به شریعتی هستند که سراسر جهان را چون یک دهکده واحد تسخیر کرده است. بنابر این آثارشان هر چند مستقیماً به این موضوع نپردازد، خواه ناخواه در خدمت



بهار سعیدی- کارشناسی تقاشی

از ویدئو دیروز تا شبکه‌های اجتماعی امروز

رسانه یافعی

آن جا به کار برد که معتقد بود رسانه‌ها به صورتی مکانیکی اقوام و انسان‌های کره زمین را به یکدیگر شبیه می‌سازند و تفاوت‌های فرهنگی را از میان بر می‌دارند. آوینی از ویدئو با عنوان رسانه یافعی یاد می‌کرد. البته عنوان رسانه یافعی عنوانی بود که خود غربی‌ها به ویدئو داده بودند.

آوینی این سوال را مطرح می‌کند که چه کسی می‌تواند اثبات کند که ضرر ویدئو از کامپیوتر بیشتر است؟ او در جواب این پرسش می‌گوید مشکل این جا است که ما فقط با معیار اخلاقی ظاهری به محصولات تمدن تکنولوژیک غرب می‌نگریم نه با معیار حکمت و حقیقت دین. او معتقد است محصولات تمدن غرب همگی کم و بیش صورت‌هایی مجسم از فرهنگ غرب هستند و اگر با چشم حکمت به آنها بنگریم، کامپیوتر را بسیار خطرناک‌تر از ویدئو خواهیم یافت چرا که کامپیوتر را نمی‌توان از سیستم کامپیوتری جدا کرد و سیستم کامپیوتری یعنی همه غرب.

آوینی معتقد بود که حتی اگر توان ایستادگی در مقابل ورود ویدئو به کشور وجود داشت، باز هم نمی‌شد با اطمینان اظهار کرد که ممانعت از ورود آن کار درستی است یا خیر. او ورود ویدئو به کشور را یک ضرورت تاریخی می‌دانست که زندگی در این عصر، خواه ناخواه

این نظر می‌توان گفت اندیشه شهید آوینی در خصوص نحوه برخورد با ابزارهای رسانه‌ای چون ویدئو که به قول خودش اقتضای جهان نوین است، یک تلقی آوانگارد محسوب می‌شود. شاید با گذشت چندین سال از آن دوران بتوان به این نتیجه رسید که نظر آوینی در برخورد با نظرات مسئولین فرهنگی نظر پخته‌تری بوده و احتمالاً اگر نظرات دستگاه‌های فرهنگی نیز چون آوینی بود، در حال حاضر با این حجم از ولنگاری فرهنگی در رسانه‌ها و ناسامانی و بی برنامه‌گی راجع به نحوه کنترل فضای رسانه‌ای مواجه نبودیم.

تا اواخر دهه شصت و اوایل دهه هفتاد رسانه تصویری، در صدا و سیما خلاصه می‌شد که در اختیار حاکمیت بود. بنابراین تصور اکثریت از رسانه، صداوسیما به عنوان رسانه حداکثری نظام بود. در آن سال‌ها نه شهروندان تریبونی داشتند و نه امکانی برای شبیه افکنی معاندین فراهم بود. اولین بحران رسانه‌ای جمهوری اسلامی با مطرح شدن و گسترش و پخش ویدئوها اتفاق افتاد که درچه‌های برای شنیدن و دیدن، غیر از تلویزیون بود. ویدئوها حرفی جز حرف حاکمیت می‌زدند. آوینی این موضوع را گوشزد می‌کرد که مرزهای حاکمیتی دیگر مرزهای جغرافیایی نیستند و از دهکده جهانی صحبت کرد. او این اصطلاح را از

در طول تاریخ از ژورنالیست‌های زیادی می‌توان نام برد که آثار و مقالاتشان توسط خود یا سایرین به چاپ رسیده است. مقالاتی که در برهه‌های مختلف تاریخی و احتمالاً در واکنش به موضوعی خاص نوشته شده‌اند. اما از این بین، معدود افرادی هستند که مقالاتشان بعد از سال‌ها همچنان ارزش مطالعه داشته و گرد زمان مانع از دست رفتن غنای مطالب آنها نشده است. شهید آوینی جزء افرادی است که مطالعه مقالاتش با وجود این که از زمان نگارششان فاصله زیادی گرفته، همچنان می‌تواند بازگویی دغدغه‌ها، خلاها و تحلیلی از اتفاقات امروز جامعه باشد.

آوینی جزء آن دسته از اندیشمندان است که گستره فکری وسیعی دارد. چه بسا یکی از دلایل غنای نظرات ایشان همین گستره وسیع فکری و بررسی همه جانبه موضوعات مختلفی چون سینما، هنرهای تجسمی، فرهنگ توسعه و... بوده است. رسانه جزء یکی از موضوعاتی است که به شدت مورد توجه آوینی بود. موضوعی که امروز ساخت فرهنگی کشور را با چالش‌هایی اساسی همراه کرده است.

نظرات آوینی در خصوص موضوعات رسانه‌ای چون ویدئو جز نظراتی بود که با استقبال مسئولین فرهنگی مواجه نمی‌شد چرا که کاملاً خلاف مشی دستگاه‌های برنامه ریز فرهنگی بود. از

# بازار شام

آفات جلوه گری ها در فضای مجازی

مرضیه انبری - کارشناسی مطالعات خانواده

دهه هفتاد صدا و سیما و سینمای ایران در تولید مدهای متنوع و نمایش زندگی های پایتخت نشینان به مناطق حاشیه یکه تازی می کرد و مردم مسحور پرده جادویی بودند که اخبار جانبی آن را فقط از طریق مجلات زرد می توانستند بفهمند و جوانان تبدیل به آرشیو بازهای تصویری شده بودند که عکس های بازیگران را از گوشه و کنار هر مجله و روزنامه ای قیچی می کردند و پوستره های بازیگران و کمی بعدتر برچسب های آن ها از در و دیوار مغازه های شهر آویزان بود و هنوز دستی بالاتر از دست اهالی هنر هفتم و اهالی جعبه جادویی بلند نشده بود. و هنوز اوضاع اقلید از تیپ و قیافه های نقش های مثبت و منفی داستان ها به صورت کانالیزه جریان داشت و سال های متمادی ادامه یافت. از مدل چادر سر کردن لعیا

کردن لعیا زنگنه در سریال در پناه تو، تا مدل شال بستن مهناز افشار در آتش بس و ...

و جوانان ایرانی که سبک زندگی خود را از این اسطوره ها میخواستند تقلید کنند و اگر در تقلید خود ناکام واقع می شدند و اسیر مقایسه های مکرر، اما در اواسط دهه هشتاد با گسترش دسترسی شهروندان به اینترنت و فضای مجازی و در دهه نود با دسترسی اکثریت مردم به گوشی های هوشمند و اینترنت نسل چهارم 4G ورق برگشت و هیمنه اسطوره های منتخب وزارت ارشاد شکسته شد و این بار هر ایرانی به فراخور خلاقیت خود در حال تبدیل شدن به یک اسطوره بود.

گسترش شبکه های مجازی اینستاگرام و توییتر طی ده ساله گذشته زرق و برق اهالی هنر را به حاشیه کشانده و جایگاه مرجع های تقلید سبک زندگی مدرن به بلاگرهای فارسی و غیر ایرانی رسیده است که بر حسب آغازهای طوفانی معرفی خود و جلب توجه کاربران به وسیله ی افشای زندگی شخصی و کنجکاو شدن مردم در شبکه های اجتماعی پادشاهی می کنند. کسانی که موفق به جذب فالوئرهای چندهزار نفری شده اند و مرجع انتشار تبلیغات و کسب درآمدهای میلیونی هستند هر روز با لباس ها و غذاها و

## کاربران رفته رفته تبدیل به بت هایی شدند که دیروز محصور در جعبه جادویی و آینه جادو بودند

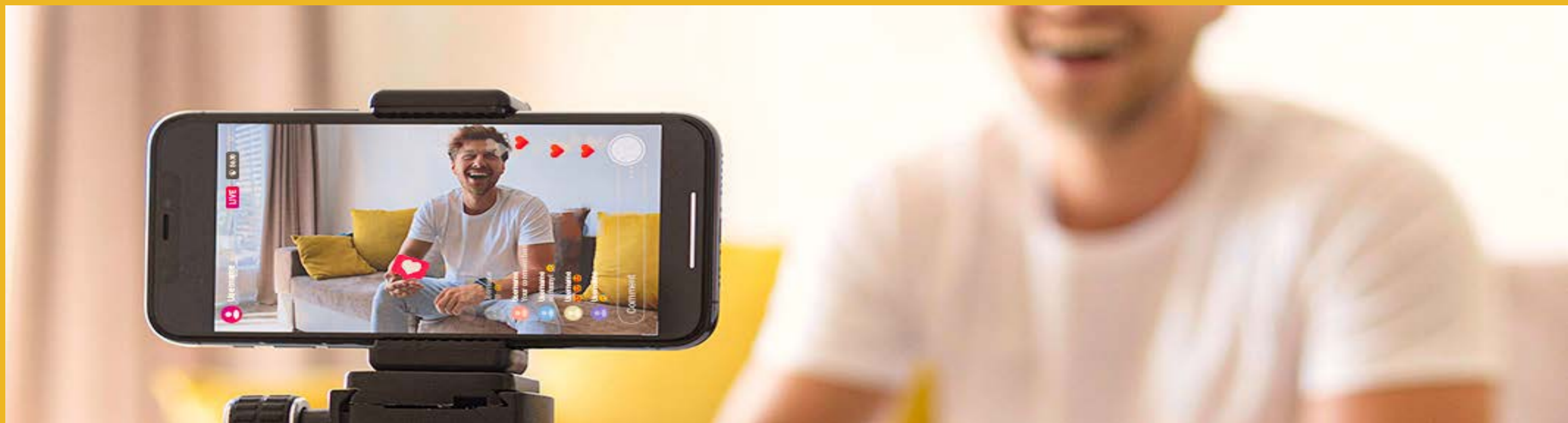
تفریحات جدید تر مقابل چشم کاربران هنرنمایی می کنند. البته تنوع زیادی را هم مدنظر قرار داده اند. یک گروه هستند که مدلینگ حجاب می شوند و گروهی دیگر بیوتی و گروهی دیگر وظیفه خود دانسته اند که زندگی غیر شخصی و عاشقانه! خود را به نمایش بگذارند!!! زن و شوهرهای بلاگر غیرمذهبی که از اشتراک گذاری هیچ لحظه خصوصی دریغ نمی کنند و زن و شوهرهای مذهبی که با روسری های محکم و ساق دست در اتاق خوابشان مشغول تبلیغ رو تختی هستند!!! افرادی که برای ادامه کسب و کار خود هر روز باید جدید تر از گذشته جلوه کند و اسباب نو شدن نیز در اختیار آن هاست لوازم آرایش، البسه، غذا و ... که برای تبلیغات و غیره برای آنها ارسال می شود و اما باز هم عرصه فضای مجازی فراخ تر میشود و تک تک کاربران در این میدان ایفای نقش می کنند. استوری ها و پست های پی در پی درباره زندگی های خصوصی و تفریحات و خریده ها و ... که در پیج های عمومی بارگزاری می شود یک بازار شام به تمام معنا ساخته است. اما آنچه ما برای جوان ترها خصوصا قشر تحصیل کرده نامناسب می دانیم ورود به این سلسله ی سوداگری است.

گاه فراموش می کنیم برخی کارها خصوصی است و گاه فراموش می کنیم که ما ایرانیان اکثریت موفق شدیم به فضای

مجازی دسترسی داشته باشیم اما موفق نشدیم آنچه را که در فضای مجازی در حال اشتراک گذاری عمومی کنیم موفق نشدیم آن تفریحاتی را که پایتخت نشینان از آن بهره مند هستند برای نواحی حاشیه و پیرامون فراهم کنیم، موفق نشدیم سبک های زندگی را یکسان سازی بکنیم، موفق نشدیم برای همه مردم عرصه لذت های مادی را فراهم کنیم و آفت چشم و آه از نداری و احساس مقایسه و غم بینندگان را فراموش کردیم.

و هر کدام به فراخور استعداد خود در این بازار شام هنرنمایی ها به خرج دادیم. یکی با شیر کردن دستپخت خود در وضعیت واتس آپ دیگری با شیر کردن خرید های خود در استوری اینستاگرام و آن یکی با تعریف روزمره های عاشقانه و پرطمطراق خود در توییتر و کامنت کاربران که یکی فحاشی از سر خشم و است و دیگری خوش به حالت!

و کاربران رفته رفته تبدیل به بت هایی شدند که دیروز محصور در جعبه جادویی و آینه جادو بودند و میشد گفت فقط فیلم است! میشد به خاطر نرسیدن ها از آن متنفر بود اما اکنون خود در حال تلاش برای تبدیل به آن موجود دلربای قابل مقایسه برای فالوئرهای شده ایم ...



# سپاه جاله‌ای به نام مجازی!

زهرا جوان - کارشناس روانشناسی

شنیدن کسب می‌کنند، بدون آنکه خود بدانند، در ناخودآگاه آنان جای می‌گیرد که گاهی به صورت مستقیم و گاهی نیز با انباشته شدن اطلاعات در طی زمان می‌توانند به صورت غیر مستقیم و نا آشکار بر علائق و رفتار آنها تأثیر مستقیم وارد کنند. از همین رو رسانه‌ها در تلاش اند تا با بهره‌گیری از امکانات وسیعی که در اختیار دارند، آموزه‌های مورد نظر خود را با استفاده از ظرافت‌های هنری و به کارگیری جلوه‌های خاص دیداری و شنیداری، به مخاطبان‌شان انتقال دهند. رسانه‌ها در چارچوب منافع خود گام بر می‌دارند از همین رو ممکن است با توجه به اهداف خود، نه تنها فقط بخشی از واقعیت را بیان کنند بلکه گاهی واقعیات را تحریف کرده و وارونه نشان دهند. لذا بررسی آسیب‌رسانی رسانه‌ها و آسیب‌پذیری مخاطبان و یافتن راهی برای کاهش اثرات مخرب رسانه‌ها به ویژه برای مخاطبان جوان و نوجوان که اکثریت مصرف‌کنندگان را تشکیل می‌دهند، همواره مورد توجه بوده است. بر این اساس، به نظر می‌رسد نیازمند راه حلی هستیم که بتوان از تأثیرات منفی رسانه‌ها با توانمندسازی مخاطب تا حدود زیادی پیشگیری کرد.

در بدو ورود رسانه به زندگی انسان، از آن بیش از هر چیز به عنوان منبعی برای اطلاع‌رسانی و دریافت اطلاعات استفاده می‌شد. اما با گذر زمان و ظهور شکل جدید از رسانه‌ها و گسترش ارتباطات مجازی، ارسال و دریافت اطلاعات تنها هدف رسانه‌ها نبود. بعد جدید، رسانه را می‌توان ابزار برای جنگ روانی تعریف کرد. امروزه شبکه‌های اجتماعی یکی از کانون‌های فعالیت مخاطبان و رسانه‌ها است و با توجه به حجم مخاطبانی که در این شبکه‌ها وجود دارد، با دانستن کلیاتی از نحوه ایجاد محتوا و مخاطب‌شناسی به راحتی می‌توان جریان سازی کرد. در جنگ روانی توجه به یک نکته حائز اهمیت است و آن نکته، کلمات هستند که نقش ایجاد کننده تعامل بین تولید کننده و مصرف کننده را بازی می‌کنند؛ بنابراین در بحث فضای مجازی و جنگ روانی، کلمات حرف اول را می‌زنند. از همین رو با توجه به شخصیت افراد کلمات متفاوتی انتخاب می‌شوند تا فرد بتواند با آنها تعامل برقرار کرده؛ کلمات برای او مفید و تأثیر گذار واقع گردند. اطلاعاتی که افراد از طریق دیدن و

”  
**مخاطبان شبکه‌های اجتماعی باید در فرآیند انتقال و کسب اطلاعات به افرادی پویا، خلاق و آزاد تبدیل شوند؛ نه این که حالتی ایستا، منفعل و تابع نسبت به اطلاعاتی داشته باشند که در یک جریان یک طرفه از منابع رسانه‌ای دریافت می‌کنند.**  
 “

مخاطبان شبکه‌های اجتماعی باید در فرآیند انتقال و کسب اطلاعات به افرادی پویا، خلاق و آزاد تبدیل شوند؛ نه این که حالتی ایستا، منفعل و تابع نسبت به اطلاعاتی داشته باشند که در یک جریان یک طرفه از منابع رسانه‌ای دریافت می‌کنند.

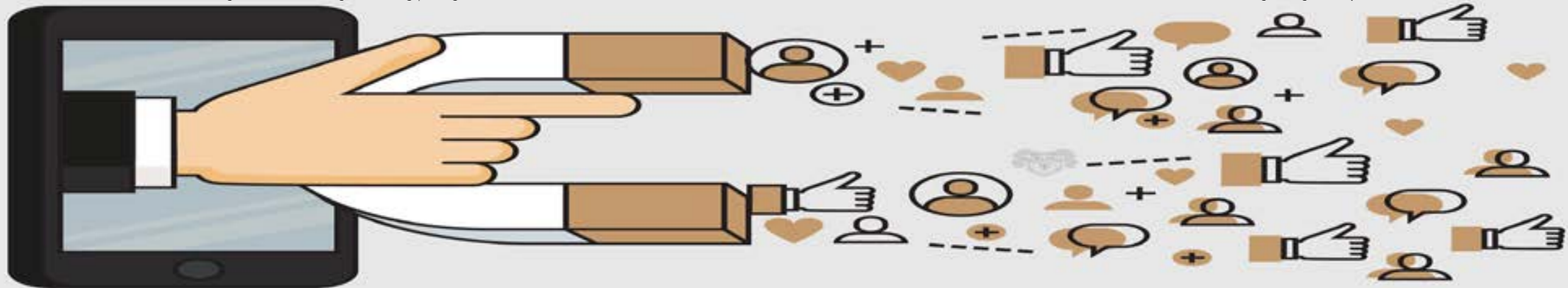
راه حلی که به عنوان ارتباط صحیح و فعال بارسانه‌ها مطرح می‌گردد «سواد رسانه‌ای» است که عبارت است از یک نوع درک متکی بر مهارت و آمیزه‌ای از تکنیک‌های بهره‌وری مؤثر از رسانه‌ها و کسب بینش و درک برای تشخیص رسانه‌ها از یکدیگر. بدین معنا که مخاطبان به گونه‌ای پرورش یابند که توانایی گزینش داشته و نسبت به شکل، قالب و محتوای برنامه‌ها در رسانه‌های جمعی حس انتقادی داشته باشند و قادر باشند به صورت منتقدانه، درباره‌ی آن چه در رسانه‌های گوناگون اعم از سینما، کتاب، موسیقی، روزنامه، تلویزیون، رادیو، تبلیغات، بازی‌های دیجیتالی، اینترنت و... می‌بینند؛ می‌خوانند و می‌شنوند؛ فکر کنند که در غیر این صورت مخاطبان به طعمه‌ای برای متولیان آن رسانه تبدیل خواهند شد.

هر نظام رسانه‌ای دارای یک سلسله مراتب

است که اجزای آن قابل تجزیه و تحلیل و شناسایی است؛ و همین سلسله مراتب است که محصول نهایی رسانه یا همان محتوای رسانه را می‌سازد چرا که این اجزا به گونه‌ای طرح ریزی می‌شوند که محصول خود را با توجه به اهداف از پیش تعیین شده، به دست مخاطب برساند.

بنابراین می‌توان با دانش و آگاهی نسبت به چگونگی استفاده از این فضا به اصطلاح مجازی، اما کاملاً واقعی، و این ابزار سطح آسیب‌های اجتماعی و فردی را به حداقل و یا حتی به صفر رساند.

بنابراین چتر سواد رسانه‌ای برای آسیب‌زدیدن از تهاجمات این فضا به مخاطبان است و کمک می‌کند تا توانایی شناسایی پیام‌های مخرب را کسب کنند. در این صورت از آنجایی که مخاطب می‌داند خواه یا ناخواه در شرایط اشباع رسانه‌ای قرار دارد، برای خود رژیم مصرف رسانه‌ای تنظیم می‌کند که سبب می‌شود تا استفاده از برخی منابع و اطلاعات را کنار بگذارد و هوشمندانه‌تر به سمت استفاده از این فضا الکترونیک پیش رود.



امروزه با گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات، شرایط به گونه‌ای شده است که در هر کجای زندگی انسان، جلوه‌های حضور فناوری الکترونیک به چشم می‌خورد. بررسی و گردآوری اطلاعات از منابع کتابخانه‌ای و اینترنت نشانگر این بودند که اینترنت ابزار قدرتمندی است که هم می‌تواند باعث فساد گردد و هم ابزار آموزش و تعلیم و رشد علمی، فرهنگی و اجتماعی نوجوانان را فراهم آورد. با توجه به این که این پدیده‌ای نوظهور در دهه‌های اخیر است، طبعا دارای تهدیداتی است، بنابراین پیش از آینده‌پژوهی فضای سایبر باید به شناخت بیشتر و عمیق‌تر از فضای سایبر پرداخته شود. پیامدهای فضای سایبر در حوزه‌های راهبردی، فرهنگی، اجتماعی با ذکر فرصت‌ها و تهدیدات، گاهی اثرگذار در شناخت فضای سایبر به شمار می‌آید. پدیده‌هایی همچون بازیگری و تغییر هویت، گسترش و تولید ناهنجاری اخلاقی، انزوای اجتماعی واقعی، رفتار اجتماعی شبکه‌ای، تغییر سبک زندگی، اعتیاد مجازی زندگی دوم، تأثیر بر بنیان خانواده، ترویج بی‌دینی، نقص و نقض حریم خصوصی و... از پیامدهای فضای سایبر محسوب می‌شود.

شواهد امر نشان می‌دهد که شبکه‌های اجتماعی مانند تلگرام، اینستاگرام، فیسبوک، توئیتر، واتس‌آپ و... با این هدف ساخته شده‌اند که اطلاعات جعلی منتشر کنند و اطلاعات شخصی شما را طبقه بندی کنند؛ اما دایره گسترش خبرهای جعلی به این که بتواند به شکل ویروسی انتشار یابد وابسته است و این اغلب بیش از آنکه به صحت و سقم خبر بستگی داشته باشد به تحریک احساسات

و واکنش‌های عاطفی مخاطبان بستگی دارد. بر اساس آمارهای فیسبوک و توئیتر (دو میلیارد کاربر در فیسبوک و ۳۳۰ میلیون کاربر در توئیتر) و ساعت‌هایی که در هر هفته در این شبکه‌های اجتماعی صرف شده است، باید گفت بسیاری از کاربران در معرض خبرهای دروغین و کمپین‌های اطلاعات جعلی قرار گرفته‌اند. پژوهشگران پس از اینکه داده‌هایشان را تکمیل کردند، تأثیر اخبار جعلی را از سه جهت مورد سنجش قرار دادند:

۱. سرعت: مطلب با چه سرعتی به دست تعداد مشخصی از افراد می‌رسد.
۲. عمق: هر خبر جعلی چند بار ریتوییت می‌شود.
۳. دامنه: کاربران اطلاعات غلط را چگونه ارزیابی می‌کنند.

پژوهشگران شیوع اخبار غلط را با نشر اخبار واقعی حقیقت سنجی شده و چند خبر مورد تأیید دستیاران پژوهشی مقایسه کردند که نتایج بسیار آزار دهنده بود؛ در هر یک از این معیارها، اخبار جعلی سرتر از اخبار موثق بود. «در تمام شاخه‌های اطلاعات، اخبار جعلی دامنه‌دارتر، سریع‌تر، عمیق‌تر و گسترده‌تر از حقایق نشر می‌یابد». این را آرال می‌گوید و می‌افزاید که تأثیر اخبار سیاسی به‌طور خاص بیشتر است. در مجموع، یافته‌های این تحلیل نشان می‌دهد که «حقیقت شش برابر بیشتر از دروغ طول می‌کشد تا به دست ۱۵۰۰ نفر برسد».

اما شاید بتوان گفت یافته مهم‌تر این پژوهش این است که چه چیزی به این اخبار جعلی دامن می‌زند؟ این عامل نه حساب‌های پرنفوذ توئیتری با میلیون‌ها کاربر و دنبال‌کننده است و نه بات‌های روسی که آن‌ها را برای توئییت خودکار اطلاعات غلط طراحی

می‌کنند. عامل اصلی شیوع این اخبار جعلی خود کاربران عادی توئیتر با دنبال‌کننده‌های اندک هستند که معمولاً اخبار غلط را با دوستانشان به اشتراک می‌گذارند. این پژوهش دریافت که «اکاذیب در هر سطحی نسبت به حقیقت، به دست افراد بیشتری می‌رسد، بدین معنا که افراد اکاذیب را بسیار بیشتر از حقیقت ریتوییت می‌کنند».

چرا و چه کسی پشت این قضیه است؟ پژوهشگران دریافتند که «افرادی که اخبار جعلی را نشر می‌دهند به‌طور معناداری دنبال‌کننده‌های کمتری دارند، معمولاً اعتبارسنجی نشده‌اند و فعالیت کمتری در توئیتر دارند»؛ به عبارت دیگر، همین اعضای عادی هستند که اخبار جعلی را نشر می‌دهند. به‌طور خلاصه حساب‌های نشردهنده اخبار کذب نسبت به حساب‌های نشردهنده اخبار واقعی، به دست افراد بیشتری می‌رسند. بر اساس یک پژوهش «اخبار جعلی به‌طور قابل توجهی تازه‌تر از اخبار واقعی بودند و این با عقل جور درمی‌آید؛ چون وقتی اصلاً در قید واقعیت نباشید، اطلاعات خیلی تازه‌تری به ذهنتان می‌رسد». تحلیل احساسات در این مقاله علمی نشان داد که پاسخ‌های ارائه‌شده به توئیتهای اخبار جعلی خیلی بیشتر از اخبار واقعی حاوی ابزار شگفتی یا انزجار است. شاید به همین خاطر است که اخبار جعلی مرگ سلبریتی‌ها تا این حد در توئیتر شایع‌اند. «این اخبار غیرمنتظره و احساسی هستند و سخت می‌توان در برابر به اشتراک‌گذاری آن‌ها مقاومت کرد». پژوهش دیگری در این زمینه نشان می‌دهد که هر چه بار اخلاقی یا احساسی یک توئییت بیشتر باشد، احتمال نشر آن در میان یک گروه با ایدئولوژی خاص بیشتر است.

## چگونه اخبار کذب را الک کنیم؟

چگونه خبرهای جعلی را در شبکه‌های اجتماعی تشخیص دهیم؟

شناسایی اخبار جعلی یا «فیک نیوز» آسان نیست، پژوهشی که در دانشگاه استنفورد در سال گذشته انجام شده نشان می‌دهد که کاربران شبکه‌های اجتماعی اغلب در تشخیص تفاوت میان محتوای جعلی و محتوای معتبران بوده و ناشیانه عمل می‌کنند. این پژوهش فهرستی از ترفندها برای شناسایی خبرهای جعلی یا «فیک نیوز» را ارائه داده که در زیر به آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱- به سرخط خبرها با دیده شک بنگرید: سرخط خبرهای جعلی اغلب جالب هستند و با حروف بزرگ و علامت تعجب می‌آیند. اگر سرخط

خبر باورناپذیر باشد این احتمال هست که خبر جعلی است. ۲- منبع خبر را نگاه کنید: مطمئن شوید که خبر از منبع معتبر و مستقل به دست شما می‌رسد. اگر خبر از وب سایتی به دست شما رسیده که برایتان آشنا نیست درباره آن وبسایت اطلاعات کسب کنید.



# سرویس سینما

## آن سوی سی‌ما

فازده اسامعیلی-کارشناسی علوم قرآن و حدیث

هر صنف و عرصه‌ای در جامعه تاثیر خاصی را بر جا می‌گذارد، اما سینما با دیگر عرصه‌ها کمی متفاوت است. تئاتر و سینما بستر الگوسازی در جامعه را فراهم می‌کنند و از تاثیر بسیار زیادی بر افکار و فرهنگ عمومی جامعه و افراد برخوردار هستند. هنر سینما در نما و قاب‌های متفاوتی ساخته می‌شود. در ژانرهای مختلفی مثل درام، اکشن و کمدی و... که فراز و نشیب‌های بسیاری برای مخاطب ارائه می‌دهند. گاهی محتوای فیلم‌ها و سینما از درون جامعه نشأت گرفته است و از مشکلات و دغدغه‌های امروزه سخن می‌گوید که به دلایل مختلف تنها نشان دهنده آن واقعیات است ولی در جستجوی راهکار و راه حل آن نیست؛ گاهی به بیان تاریخ و واقعیات آنچه بر سر تاریخ آمده می‌پردازد و با اینکار به ما آموزه‌ای می‌دهد و گاهی به عنوان سرگرمی به دنبال تفریح مخاطبان خود است. استفاده از هر پلان و ژانری در سینما جذابیت‌ها، نقاط ضعف و قوت خود را دارد. استفاده از قالب‌های تصویر برداری، فرم ساخت و بازی بازیگران؛ تنها وجه مثبت ساخت فیلم نیست بلکه محتوا نقش کلیدی تری دارد. اهداف فیلم، نوع شخصیت‌ها و دیالوگ‌ها می‌تواند اثرگذاری بالایی داشته باشد. برخی از فیلم‌ها به جز اتلاف وقت، انرژی و هزینه، نقش دیگری ندارند. مانند سریال‌های شبکه نمایش خانگی خودمان؛ در این بحبوحه اثرگذاری سینما، فارغ از فیلم درعالم واقعی، بازیگران نیز علاوه بر حرفه خود در جامعه نیز

نقش شهروندی را ایفا می‌کنند. مردم جامعه ناچار به الگوبرداری از آنان هستند. نوع رفتار و پوشش، طرز تفکر و همچنین بیان نظرات آنها در زمینه‌های مختلف بر ذهن افراد جامعه اثر می‌گذارد. گاهی در شخصیت‌های برخی بازیگران دچار دوگانگی می‌شویم. برخی از هنرمندان در نقش‌های مقدس بازی کردند و با آن‌ها به شهرت رسیدند در حالی که بعدها نقش‌های منفی و دور از انتظاری را بازی کردند که این طبیعت کار آن‌ها است ولی رفتار و سبک زندگی غیر متعارف آن‌ها با فرهنگ جامعه کمی تناقض دارد. سینمای سالم یا فاسد؟ چه تغییراتی در حوزه سینما رخ داده؟ کافی است مقایسه‌ای میان فیلم‌های گذشته با حال حاضر در مارکت سینما داشته باشیم.

نوع محتوا در کاراکترها و هدفی که یک فیلم دنبال می‌کند متأسفانه بعضاً بدتر از سینمای قبل از انقلاب شده است. امروزه محتوا، فیلم‌نامه‌ها، رفتار و برخورد اکثر بازیگران در فیلم‌ها برخلاف عقاید و عرف فرهنگ سنتی و اسلامی جامعه است؛ نوعی به ابتذال کشیده شدن فرهنگی است که ارزش تماشای آن را هم ندارد و حتی نمی‌شود در کنار خانواده به تماشای آن پرداخت. فیلم‌هایی که به طور صریح در آن از شوخی‌های جنسی، هرزگی، خیانت، رابطه آزاد با نامحرمان و... پرداخته است.

اما در پشت پرده این سینما چه می‌گذرد؟ به طور صریح برخی هنرمندان از فسادهایی که در این حوزه شده، پرده برداشتند و حتی تعدادی از هنرمندان توانمندمان به خاطر افشای فساد و رانت خواری در سینما، بیکار شده‌اند. به قول آنها تعدادی از نقش‌ها در مهمانی‌ها و پارتی‌های شبانه و یا در ازای

پیشنهادهای غیراخلاقی داده می‌شود و عده‌ای نیز با دادن پول نقش خریداری می‌کنند که این‌ها جایگاه واقعی سینما را متزلزل و مبتذل می‌کند. شاید بی‌انصافی باشد که بگوییم دیگر کمتر فیلم‌های ارزشی و اخلاقی که متناسب با ارزش‌ها و عقایدمان هست، ساخته نمی‌شود؛ فیلم‌هایی که می‌توانستیم آنها را با خیالی آسوده در کنار خانواده به تماشا بنشینیم و از قالب‌های نمایشی و فرم آنها در کنار محتوای غنی لذت ببریم. حمایت صحیح از گیشه‌های سینما، عدم حمایت از سلبریتی‌ها و بازیگران رانتی و بی‌هنر و شناخت بهتر و بالا بردن سواد سینمایی و رسانه‌ای جامعه، شاید راه حلی کوچک جهت بهبود فضای مسموم سینمای کشور باشد.



# تاکی آخر حوشه، سر غفلت در پیش!

رسانه ملی در فواب فرگوشی است.

سکوفه الهی نیا

آغاز ماه رمضان امسال اخباری از پخش سریال مصری با نام «النهاییه» منتشر شد، موضوع این سریال درباره نابودی کامل اسرائیل و فروپاشیدن آمریکا ساخته شده بود. شاید بتوان این سریال را با وجود ضعف‌های چشمگیری که در فرم داشت، یکی از مهمترین و نویدبخش‌ترین اثر ضد صهیونیستی در بُعد جهانی دانست. پخش این اثر همانقدر که برای مخالفان استکبار صهیونیست شیرین است دردناک نیز هست، چرا که این سوال در ذهن پدید می‌آید که مگر چقدر در رسانه کم کاری کرده‌ایم تا اثری با سطح هنری متوسط، ما را تا این حد خوشحال می‌کند.

این روزها، با گذشت یک پنجم از قرن ۲۱، تنها دانستن اندکی علم نماد شناسی سینمایی لازم است تا با اندکی ترکیب آن با تاریخ قوم بنی اسرائیل و برنامه‌هایشان برای آینده جهان، متوجه شویم فیلم‌های سینمایی هالیوود، نه تنها برای سرگرمی و یا انتقال مفاهیم ساده‌ی انسانی نیستند، بلکه اهدافی سیاسی و کثیف را دنبال می‌کنند. اهدافی در جهت زیبا نشان دادن حامیان هالیوود، یعنی یهودیان ساکن آمریکا یا همان صهیون، در ذهن جهانیان.

تولید انبوه فیلم‌ها و اخبار دستکاری شده‌ای که در مقابل چشم جهانیان به نمایش در می‌آید باعث شده چشم‌ها، درد کشورهای هم‌چون فلسطین را نبینند و یا اگر می‌بینند، سربازان اسرائیلی را مظلوم و کودکان فلسطینی را هیولاهای خونخوار ببینند و جز به حمایت از خونخواران حقیقی لب به اعتراض نگشاید.

برای مقابله با رسانه گردانی خبائث آمیز یهود، نیازمند تولید محتوای قوی از طرف جوامع اسلامی و معترضان ظلم حقیقی در جوامع جهانی هستیم. متأسفانه تولید محتوای رسانه‌ی دشمن تأثیر خود

را گذاشته و از بین فعالین حوزه‌ی رسانه افراد زیادی در مقابل موضوع مبارزه با استکبار صهیونیست جهانی احساس مسئولیت نمی‌کنند. اما خوشبختانه در بین آنها اندک افراد قوی یافت می‌شود که فیلم‌هایی عمیق و اثرگذار همچون فیلم‌های ماندگار ((بازمانده)) و یا ((شکارچی شنبه)) را خلق کرده‌اند. هر چند غیر از این دو فیلم آثار خوب دیگری ساخته شده که شاید تعداد آنها به ۳۰ اثر هم نرسد.

## درفشش نسبی سینمای دفاع مقدس

فعالین حوزه رسانه در بخش دفاع مقدس ایران چنان خوش درخشیدند که اکنون پس از گذشت بیش از ۳۰ سال از پایان جنگ، دشمنان حوزه جنگ نرم هنوز نمی‌توانند با تصویر زیبایی که از شهدا، اسرا، جانبازان و ایثارگران جنگ تحمیلی در ذهن مردم است، بازی کنند و تاریخ آن را تحریف نمایند. این امر به خوبی نشان می‌دهد که اصحاب رسانه در ایران علم و ذوق کافی را برای دفاع از عقاید خود دارند، اما چه شده است که این انرژی را برای جنگی بزرگ‌تر استفاده نمی‌کنند تا نام مدافعان حرم در ذهن مردم مدافعان وطن نقش ببندد و نابودی داعش و امنیت خود را مدیون هموطنان قهرمان خود بدانند نه قهرمانان چشم آبی آمریکایی؟ چه شده است که سینمای ایران حول مسائل سطح پایین عاشقانه و نه عاشقانه‌های فاخر می‌پردازد، با الهام از سریال‌های سطح پایین ترکیه‌ای. وضع زمانی بدتر می‌شود که در بین موارد دارای محتوا، اندک مواردی هستند که به مفاهیمی ضد ایرانی و اسلامی نیز می‌پردازند.

چرا بخش خبری، رسانه‌ی مجازی و صدا و سیمای قوی‌ترین دشمن استکبار صهیونیسم جهانی یعنی جمهوری اسلامی ایران، به جای نشر اخبار مهم و سرنوشت ساز

جهان، گزارشی تقریباً مفصل از فوت تمساح پیری در مسکو را نمایش می‌دهد و یا اجازه می‌دهد لاشخوران فضای مجازی که سالها است چشم‌های خود را روی نسل کشی‌های وحشیانه صهیون در فلسطین بسته‌اند، با سواستفاده‌ی احساسی از قتل امثال رومیناهای ۱۴ ساله دست‌آویزی ضد اسلام و ضد جمهوری اسلامی بسازند؟

سو مدیریت و عدم کفایت مسئولین برای استفاده مناسب از بستر رسانه جهت مبارزه دقیق‌تر مانع ماست. مبارزه‌ای که پایانی جز نابودی دشمن ندارد و هر لحظه توسط حمله‌های طرف مقابل تشدید می‌شود. برای مقابله، دفاع و البته حمله باید در تمام سطوح رسانه‌ای و فرهنگی خودمان را تقویت کنیم.



## فاطمه زهرا کریمی-کارشناسی کرافیک

امروزه مردم با سینما و تلویزیون آسانتر ارتباط برقرار میکنند بنابراین آنچه را که از طریق این رسانه ها می بینند آسان تر به عنوان الگو می پذیرند.

از جمله مفاهیمی که سینما به آن میریزد مفهوم (زن) است. یقینا بازنمایی این مفهوم در سینمای قبل و بعد انقلاب متفاوت خواهد بود.

### زنان قبل از انقلاب:

سینمای قبل انقلاب و مخصوصا اوان تولدش سینمایی تاثیرپذیر بود. الگوهایی که در آن به نمایش در می آمد تقلیدی از دیگر سینماهای جهان و عکس زن در سینمای ایران اکثرا از نقش زنان در سینمای هند، مصروآمریکا کلیشه برداری می شد. مهم ترین وجه تقلیدی و بد آن در این بود که از همان سال های آغازی تولید از جذابیت ظاهری بازیگران زن بهره گرفته می شد. اولین حضور زن در سینمای ایران حضور در فیلم (حاجی اقا آکتور سینما۱۳۱۱) آغاز شد.

زن در سینمای دهه ۳۰ همزمان به اوایل سلطنت پهلوی دوم در نقش دختر، مادر، همسرمعصوم، عفیف و فداکار و یا در قالب زن حيله گر به نمایش در آمد.

گاهی نیز شخصیت آن در نوسان بود و پس از گذشت حوادثی مجدد به اصل خود باز می گشت.

به طور کلی زن در دهه ۳۰ فردیت نداشت و فیلمسازان به مهارت بازیگری آنها دقت چندانی نشان نمی دادند. آنها بیشتر به دنبال زنانی می رفتند که در عرصه های دیگر شهرت داشتند به ویژه سرمایه گذاری برای زنان آوازه خوان بسیار مقرون به صرفه بود.

عصمت باقرپور(دلکش) از جمله این آوازه خوانان بودند و پس از او افراد دیگری وارد این عرصه شدند.

دیگری وارد این عرصه شدند.

گنج قارون که پرفروش ترین فیلم تاریخ سینمای ایران تا اتمام حکومت پهلوی دوم است، تیپ تازه ای از زنان را نمایش دادکه برآیند زن گمراه و زن معصوم بود که برخلاف دارابودن ظاهری کاباره ای، ویرانگر نبود و باعث متلاشی شدن خانواده ها نمی شد.

با الگو گرفتن فیلم ها از فیلم (گنج قارون) سینما در راه خوار و ذلیل کردن زن ها تلاش بسیاری کرد . در اینجا بود که مباحثران سینمای تجاری علاوه بر خوانندگان از زنان بازیگر در نمایش های رادیویی نیز بهره گرفتند . از جمله این زنان میتوان به ژاله علو، مهین ديهم، شهلا ریاحی و… اشاره کرد.

در برخی مواقع نیز زنانی وارد کار می شدند که هیچ استعدادی نداشتند و پس از مدتی به سرعت فراموش می شدند.

پس از آن زنان در دهه ۴۰ از هنجارهای سنتی چشم پوشی کرده و با سینمای غرب هم آوا شدند. طبقه متوسط جامعه اکثرا تماشاگر فیلم های خارجی بودند و اغلب مخاطبان سینمای ایران از طبقه پایین بودند.

درسال های ۱۳۵۷-۱۳۴۷ مکررا زنان در نقش بدکاران ظاهرمی شدند، آن هم زنان طبقه پایین جامعه . تجاوز به زن عنصر قالب فیلم های این دوره است به این صورت که :

زن در طول داستان یا به قتل می رسد یا به ازدواج با شخصی تحت اصرار و اجبار خانواده در می آمد و یا آواره شهرها می شد.

در این گونه فیلم ها عمده مشاغل زنان بعد از خانه داری، فاحشه گری و رقصی بود. در شمار زیادی از فیلم ها روابط نا مشروع زن و مرد نشان داده می شد و در آثار دیگری به موضوع خیانت چه از طرف مرد و چه از طرف زن پرداخته می شد.

رفتارهای جلف و زننده زنان در آنگونه فیلم ها ارزش حقیقی یک بازیگر زن را پایین می آورد. پس از کودتای ۲۸مرداد۱۳۳۲ قهرمان سازی در فیلم ها رواج پیداکرد. به طور مثال زنانی که توسط مردان آب توبه بر سرشان ریخته و به آغوش خانواده برمی گشتند و یا دختران روستایی که فریب پسران شهری را خورده و خودکشی کرده

در این دوران تضادهای فرهنگی بالاگرفت و میزان طلاق و فرارجوانان افزایش یافت.

آنچه در کل فیلم های سلطنت پهلوی دوم وجود دارد این است که زن بدون مرد هیچ است!

سینمای کشور پس از ۱۳۳۸ هویتی پیداکرد و تا ۱۳۴۸ زن به عنوان عنصری جنسی در سینما جا افتاد.

# نقش زنان در سینمای قبل وبعد از انقلاب اسلامی



و یا توسط مردی خیر به زنی گرفته شده و به روستا بازمی گشت. در این فیلم ها بسیار به صحنه های رقص و لودگی اشاره می شود و اهمیت این صحنه ها به حدی بود که در زمانی که فیلم ها به صورت سیاه و سفید ساخته می شدند ( به دلیل گرانی مواد اولیه فیلم ) این صحنه ها رنگی فیلمبرداری می شد.

با ورود رقاصان و خوانندگان غربی و شرقی به ایران، میل به تفریح و سرگرمی میان مردم افزایش یافت و کاباره داری به شغلی پردرآمد تبدیل شد در این میان زنان عروسک گونه در فیلم ها ظاهر شدند.

## طبق مصائبه ای از سعید کنگرانی :

از دختران که در فقر مالی به سر می بردند استفاده می شد و از پدرشان همان لحظه قرار ملاقات دست خطی مبنی بر باکره نبودن دخترشان گرفته می شد تا بعد از ثبت قرارداد با آن هر بلایی که به سر دختر آمد، حق اعتراض و شکایت نداشته باشند.

طبق گفته سعید کنگرانی دونفر نیز بودند که بنا به درخواست تهیه کننده دخترانی با همان مشخصاتی که مد نظرشان بود پیدا می کردند تا از آنها استفاده بشود.

### زنان بعد از انقلاب:

سیاست گذاری حضور زن در سینما پس از انقلاب اسلامی تثبیت جایگاه زن در جامعه است و پاسخ به این دیدگاه که زن ابزاری برای تفریح و سرگرمی نبوده بلکه تأثیرگذاری خاصی بر فرهنگ سازی جامعه دارا می باشد.

هر چند که در این دوران شاهد صعود و افول هایی در خصوص معرفی زنان در سینمای پس از انقلاب هستیم اما حضور زنی متفاوت از زن قبل از انقلاب اسلامی را با توجه به ساختارهای اجتماعی و فرهنگی این دوران را رقم زد.

بازنمایی نقش زن در دو دوره مورد بررسی تغییرات و تحولات چشمگیری نموده است و این تغییرات در موارد مختلفی چون میزان حضور زنان در فیلم ها، کیفیت مشاغل، نوع پوشش، طبقه اجتماعی، نوع بهره گیری از محصولات فرهنگی، نوع مهارت های فردی، مضامین دیالوگ ها، میزان تحصیلات، اعتقادات، زبان، مکانیسم حل مشکلات شخصی و خانوادگی و غیره بوده است.

هر چند که حضور زن در این دوران هم با تفاوت هایی همراه است که ناشی از تحوالت سیاسی- اجتماعی چون دوران انقلاب وجنگ، سازندگی و بازسازی و… بوده است.

از ویژگی های بارز انقلاب اسلامی برای زنان بوجود آمدن این آگاهی است که مردم حق تعیین سرنوشت خود را دارند. با وقوع انقلاب اسلامی ۱۲۵۷ این توان برای زنان بیش از مردان بود. پیش از انقلاب اسلامی در تعیین سرنوشت خود گامی عقب تر از مردان داشتند ولی زنان پس از انقلاب اسلامی آگاه شدند که می توانند توان خود را بکار گرفته و در حوزه روزمره صاحب رأی و حق باشند. همچنین سینمای جنگ در عرف پذیرفته شده، سینمایی مردانه بوده اما با توجه به حضور چشمگیر زنان در عرصه های گوناگون دفاع

مقدس، به ویژه در پشت جبهه و ایفای نقش های گوناگون که از پشت جبهه و خانواده یک رزمنده آغاز و به بیمارستان های صحرایی نزدیک به خط مقدم ختم می شد. از سال ۱۳۵۹ که اولین فیلم های مرتبط با جنگ در سینمای ایران تولید شد، زن در سینمای جنگ تنها در حد عاملی برای پرداختن به زندگی خانوادگی رزمنده، البته در سطحی ترین شکل آن که شامل حضور زن در خانه، نگهداری از بچه ها و بدرقه رزمنده تا محل اعزام به جبهه و… بوده، مورد توجه قرار می گرفت.

سال های اوایل دهه ۷۰ حضور زنان با ایفای نقش های اصلی به شکل قوی روی پرده و فعالیت در پشت دوربین به مراتب بیشتر شد. فیلم هایی که زن در نقش مادری دلسوز، دکتر، پرستار و … ظاهر می شد. رشد فرهنگ و ذهنیت اسلامی در میان مردم، زنان بیشتری روی کار آمدند و ( زن ) موضوع اصلی بسیاری فیلم ها شد. زنانی که به سوی محوری شدن می رفتند.

لازم به توضیح است که گونه های معرفی شده در اینجا به سنتی و مدرن از خصوصیات و ویژگی های غالب زنان که در هر دوره نمایش داده شده، نشات گرفته است.

وضعیت زنان در حالی که نقش اصلی آنان خانه داری و کارکردهای مهم شان همسری و مادری و مهمترین دغدغه هایشان دغدغه های خانودگی و خویشاوندی است به عنوان وضعیت سنتی و تحت عنوان ((بازنمایی زن سنتی)) در فیلم ها نامگذاری شده و برعکس وضعیت زنان در حالی که نقش بیشتری در فعالیت های اجتماعی، شغلی و تحصیلی داشته و کارکردهای شغلی و مشارکت اجتماعی داشته باشند و دغدغه هایی فراتر از مسائل صرفا خانودگی و خویشاوندی داشته باشند و به مسائل اجتماعی کلان توجه



فانۀ ی سبز  
مرهم فسرہ شکیبایی



برنامه ریزی های فرهنگی و بررسی محتوای فیلم های قبل و بعد از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ شاهد شکل گیری گونه متفاوتی از بازنمایی زن در سینما بوده ایم. در نتیجه دو نوع کاراکتر با ویژگیهای متفاوت در فیلم ها ظهور کردند.

نشان دهنده روند حرکت جامعه به سوی آن تغییرات است. در حقیقت فیلم ها به عنوان آثار هنری از یک طرف خود بازتاب و نمایش دهنده تغییرات اجتماعی هستند و از طرف دیگر با تاثیراتی که بر مخاطب می گذارند این تغییرات را تسریع می نمایند.

از بررسی الگوی توسعه فرهنگی طی سال های قبل از انقلاب اسلامی چنین برمی آید که برنامه ریزی فرهنگی به صورتی آمرانه و از بال صورت پذیرفته و هیچگونه مشارکتی را حتی در سطح نخبگان فرهنگی و طیف وسیع صاحب نظران و کارشناسان جلب نکرده است.

از جانب دیگر میتوان موضوع فراخ تری را نیز مطرح ساخت و آن عبارت است از اینکه بر حوزه تقاضاهای اجتماعی ناظر نبوده و این تقاضاها به هیچ ترتیبی نمی توانست خود را به داخل سیستم برنامه ریزی بازتاب دهد و بر روند تصمیم گیری تأثیر بگذارد.

یکی از نقایص بزرگ و اساسی نظام فرهنگی در طول دوره پهلوی دوم، ضعف آشکار ساختار نظارت و ارزشیابی اقدامات فرهنگی دولت بود. ضعف و ناتوانی این بخش از نظام تصمیم گیری و اجرا، نه تنها بر روند جاری اجرای برنامه ها تأثیر منفی به جای گذاشت، بلکه امکان بازیابی نارسایی های برنامه و تصحیح خطاها را نیز به شدت کاهش میداد.

با وقوع انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ دوره ی دیگری در تاریخ هنر معاصر آغاز شد.

در شرایط جدید با نفی موجودیت و کارکرد هنر رسمی زمان محمد رضا شاه، بسیاری از کارگزاران و شماری از هنرمندان نیز صحنه را ترک کردند.

از دیگر پیامدهای انقلاب رشد جمعیت خواستار هنر بود. به ویژه زنان در مقیاسی وسیع به کارهای هنری روی آوردند. با تدوین و

ضعف و ناتوانی این بخش از نظام تصمیم گیری و اجرا، نه تنها بر روند جاری اجرای برنامه ها تأثیر منفی به جای گذاشت، بلکه امکان بازیابی نارسایی های برنامه و تصحیح خطاها را نیز به شدت کاهش میداد.

با وقوع انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ دوره ی دیگری در تاریخ هنر معاصر آغاز شد.

در شرایط جدید با نفی موجودیت و کارکرد هنر رسمی زمان محمد رضا شاه، بسیاری از کارگزاران و شماری از هنرمندان نیز صحنه را ترک کردند.

از دیگر پیامدهای انقلاب رشد جمعیت خواستار هنر بود. به ویژه زنان در مقیاسی وسیع به کارهای هنری روی آوردند. با تدوین و



من اعتراض دارم به رنگ سرخ که سوزاننده است،  
به آبی که سرده، به زرد که رنگ جداییه، به هر رنگی که  
رنگ روح زندگی توش نیست؛  
چون به عقیده شخص خود من جناب رییس، رنگ روح  
زندگی سبزه ... فقط سبز!  
فرید، بابا ... عشق اون نیست که وقتی دیدیش دلت بلرزه.  
عشق اونه که وقتی نمی بینیش دلت می خواد کنده بشه ...  
بین دلخوری، باش ... عصبانی هستی، باش ...  
قهری، باش ... هر چی می خوای باشی باش ...  
ولی حق نداری با من حرف نزنی. فهمیدی؟  
چه معنی داره تو این دنیا کسی با کسی قهر باشه؟!  
چه معنی داره تو این دنیا کسی تنها باشه؟!  
چه معنی داره تو این دنیا آدمها یک روز بیان و یک روز  
برن؟!  
چه معنی داره تو این دنیا دل بعضیها اینقدر تنگ باشه!؟

# پرچم سفید در دست قمارباز

محمد کفینی - رشته جامعه‌شناسی و نگاه خوارزمی

یازدهمین آلبوم از پر بازدیدترین خواننده فارسی زبان داخلی، در اسپاتیفای، با ۱۵۰ هزار شنونده، منتشر خواهد شد. در حالی چاوشی آلبوم «واحد» را در کنار اولین کتاب شعر خود منتشر می‌کند که نام وی به دلیل فعالیت‌های خیر خواهانه او در ماه‌های اخیر بر سر زبان رسانه‌ها افتاده است.

دوره جشنواره بین‌المللی «کرافیلیم» در کراچی پاکستان جایزه بهترین موسیقی متن فیلم به محسن چاوشی و اردوان کامکار برای فیلم سنتوری رسید. در جشنواره «حافظ» نیز جایزه بهترین موسیقی متن فیلم به محسن چاوشی برای فیلم سنتوری رسید.

چاوشی درباره نحوه ضبط صدایش برای آهنگ‌های فیلم «سنتوری» و آلبوم خود می‌گوید: «چاره‌ای جز این نداشتیم که در خانه و در یکی از اتاق‌هایمان کار ضبط را انجام بدهیم. به کمک مادرم یک پتو را با میخ به جلوی پنجره زدیم و دیوارها را هم با پتو پوشانیدیم تا صدا نیچد. مادرم از اتاق بیرون رفت و با یک پتو از بیرون، در اتاق را پوشاند. خودم هم از این طرف در، یک پتو آویزان کردم تا بتوانم در نهایت فضایی را در اختیار داشته باشم که در آن بشود وکال گرفت. بعد از همه این ماجراها، پتو را کشیدم روی سرم و در همان شرایط خواندم و همه وکال را ضبط کردم. از زیر پتو که بیرون آمدم، علی سنتوری به دنیا آمده بود. همان نسخه هم نهایی شد و پخش شد.»

دوازده سال پیش، سال ۸۷ بود که اولین آلبوم رسمی محسن چاوشی با «یه شاخه نیلوفر» منتشر شد، بعد از آن سال فعالیت‌های چاوشی رشدی بسیار صعودی گرفت، در حالی که با وجود ۱۲ سال، هم اکنون مخاطبین این خواننده در انتظار انتشار یازدهمین آلبوم رسمی این خواننده با نام، واحد، هستند. یعنی در هر سال یک آلبوم، آلبوم‌هایی چون، «یه شاخه نیلوفر»، «ژاکت»، «ابراهیم» «حریص»، «من خود آن سیزدهم»، «پاروی بی‌قایق»، «قمارباز»، «پرچم سفید»،

ادامه داده اند، البته صدای‌شان هنوز کهنه نشده است. از جمله این خوانندگان ماندگار، می‌توان به آقای خاص موسیقی پاپ ایران، محسن چاوشی، اشاره کرد که با تن صدای گرم و مخملی خود به حدی در عمق وجود مخاطبانش نفوذ کرده‌است که به جرأت می‌توان او را به عنوان محبوب‌ترین چهره‌ی موسیقی پاپ در دو دهه اخیر معرفی کرد.

## تولد علی سنتوری

محسن چاوشی از سال ۸۲ فعالیت موسیقیایی خود را با انتشار آلبوم‌های غیررسمی خود آغاز کرد، چاوشی با شیوه خاص خود با آلبوم‌های «نفرین»، «لنگه کفش»، «متاسفم» و «خودکشی ممنوع»، وارد موسیقی ایران شد.

نقطه اوج آقای خاص با آلبوم «سنتوری» آغاز شد؛ پنجمین آلبوم وی بود که در سال ۸۶ منتشر شد ولی بعدها با گرفتن اولین مجوز و قرار گرفتن در پازل وزارت ارشاد، پس از ۴ سال این آلبوم را به شکل رسمی در سال ۹۰ به عنوان چهارمین آلبوم رسمی خود منتشر کرد. آلبوم «سنتوری» اتفاقی مهم در فعالیت‌های موسیقی محسن چاوشی در عرصه خوانندگی به حساب می‌آید. «سنتوری» نام فیلمی سینمایی به کارگردانی «داریوش مهرجویی» است. «بهرام رادان» و «گلشیفته فراهانی» بازیگران اصلی این فیلم هستند. در هفتمین

موسیقی پاپ ایران در دوره‌ها و سال‌های مختلف خواننده‌ها و آهنگ سازهای مختلفی به خود دیده است، خواننده‌هایی در مارکت موسیقی رشد کردند، آلبوم و تک آهنگ منتشر کردند، در تیتراژهای سینمایی و تلویزیونی خوانند؛ خواننده‌هایی که بعضاً با حواشی‌ها خود را مطرح کردند، اما همه آن‌ها ماندگار نشدند و در دوره‌هایی روی بورس بودند و بعد از چند مدتی از خاطر مخاطبان موسیقی پاپ رفتند. کمتر خواننده‌هایی وجود دارند که بعد از یک دهه فعالیت هنوز مورد اقبال مخاطبان قرار بگیرند و شاید علت اصلی آن تنوع موجود در موسیقی‌ها و سبک‌های استفاده شده از جانب خواننده‌های تازه وارد باشد، قدیمی‌ترها که نتوانستند سبک خواندن، ملودی و شعر خود را رشد دهند، کم کم از دایره توجه شنوندگان کنار گذاشته شدند. کم کار شدن خواننده‌ها به دلایل مختلف نیز یکی از علل افول آن‌هاست که عمدتاً به خاطر مافیای موجود در عرصه موسیقی و مکیدن خون آن‌ها توسط تهیه کنندگان است.

معدود خواننده‌های خاصی با ویژگی‌های منحصر به فرد وجود دارند که با آثار خود در خاطر مخاطبان موسیقی فرو رفته و ارتباط عجیبی مردم با پژواک صدای آن‌ها ایجاد کرده‌اند. خواننده‌هایی که سالیان سال است با انتشار آلبوم‌ها و... قطعات بسیاری فعالیت خود را



# سرویس موسیقی

«سنتوری» و «امیر بی‌گزند»، در کارنامه چاوشی قرار دارند. تا کنون به غیر از آلبوم «واحدا»، ۱۰ آلبوم رسمی، پنج آلبوم غیر رسمی و پنج آلبوم گروهی و نزدیک به ۱۵۰ قطعه قرار دارد؛ قطعاتی که با با مضامین مختلف با زبان‌های متفاوت منتشر شده است. آلبوم یازدهم محسن چاوشی، «واحدا»، بنا به گفته خودش قرار است به زودی بعد از انتشار کتابش، به بازار بیاید. اشعار این آلبوم را خودش سروده است، و با چند آهنگ ساز، تنظیم کننده و نوازنده جوان و تازه کار همکاری کرده است که همه این‌ها به جذابیت این آلبوم می‌افزاید. تولید واحدا دو سال زمان برده است و خروجی آن ۹ قطعه خواهد بود. لازم به ذکر است تهیه کننده این آلبوم، بابک حمیدیان، بازیگر سینما و تلویزیون است.

### این عشق هیولایی

محسن چاوشی پس از انتشار ده آلبوم موسیقی رسمی به عنوان خواننده پاپ، این بار نخستین کتاب اشعارش را در اختیار دوستدارانش قرار می‌دهد. چاوشی که پیش‌تر اشعار قطعاتی از جمله کجایی، ژاکت، هفته‌های تلخ من، نفس بریده، فندک تب دار، پسرم، مترو و… را خود سروده و اجرا کرده بود، با واکنش‌های متفاوتی از سوی دوستداران، منتقدین و اهالی شعر و موسیقی رو به رو شد.

چاوشی تجربه همکاری با شاعران و ترانه سرایان معاصر بسیاری را در مسیرهنری خود داشته، شاعرانی چون حسین صفا، روزبه بمانی، پدram پاریزی، محسن یگانه، حامد هاکان، فاضل نظری و غیره؛ در این بین استفاده از اشعار مولانا، سعدی، وحشی بافقی، باباطاهر، شهریار، خیام، حضرت حافظ و… نیز به مرور وارد آثار و آلبوم‌ها و قطعات

این خواننده خرمشهری شد.

محسن چاوشی که پس از انتشار آخرین آلبوم خود «بی‌نام» / «قمار باز» در سکوتی طولانی سر می‌برد، پس از مدت‌ها به حرف آمد و از تفکرات و دغدغه‌هایش در کتاب «این عشق هیولایی» پرده برداشت. البته لازم به ذکر است که چاوشی بعد از انتشار آخرین آلبوم خود چندین قطعه نیز منتشر کرد، تیراژی برای فیلم سینمایی نمایش خانگی، «هم گناه»، خواند که موسیقی فولکلور بود، چاوشی که در یک سال گذشته شعر آهنگ‌های خود را، خودش سرود مانند، قطعات شرح الف، علی، حسین، عباس، ضمیر خودسر، او، طاق ثریا، شدت میدان و حتی هم‌گناه؛ که به غیر از شعر تیتراژ سریال هم گناه، همگی داری مضامین مذهبی و در مدح ائمه اطهار بود.

این خواننده درباره مفاهیم و محتوای کتاب شعرش خطاب به مخاطبان‌ش گفت: «مخاطب همه شعرهای کتابم یک نفر است. من از عشق نوشتم و خواستم شما هم «عشق» را بخوانید. »

خواننده آلبوم «بی‌نام» درباره استقبال از کتاب شعر خود در مرحله پیش فروش اثر نیز معتقد است: «عددها و رکوردها دیگر سالهاست که دغدغه من نیست. هنرمند یک مسئولیت اجتماعی و فرهنگی دارد و آن هم خوراک ذهنی و فکری دادن به مردم و مخاطبش است. همیشه سعی کرده‌ام به مخاطب احترام بگذارم و به داشته‌هایش بیفزایم. اینکه همراهانی تا این حد فرهیخته و متفکر دارم برای من ارزشی غیرقابل وصف دارد و امیدوارم بتوانم مثل گذشته همپا و همراه با آن‌ها پیش بروم.»

گفتنی است «نسرین بابایی»، مدیر انتشارات آفتاب اندیشه که وظیفه نشر کتاب شعر چاوشی را بر عهده

دارد درباره روند انتشار این کتاب گفت: «استقبال خوبی را شاهد بودیم و امیدوارم میزبان خوبی برای مخاطبان آقای چاوشی باشیم.» وی درباره نبود نسخه فیزیکی کتاب نیز گفت: «فعلا آقای چاوشی تصمیم دارند از طریق فروش اینترنتی کتاب‌شان را ارائه نمایند و به مرور پیش بینی فروش نسخه فیزیکی نیز خواهیم داشت که اطلاع‌رسانی خواهد شد.»

### از پاروی بی‌قایق، تا چاوشی بی کنسرت

شاید هیچ خواننده مطرحی پیدا نشود که با گذشت بیش از یک دهه از مطرح شدن نام و فعالیتش، کنسرتی برگزار نکرده باشد. همین امر باعث شده عده‌ای بگویند چاوشی توان اجرای زنده را ندارد، اما خود او گفته بهتر از هر کسی در اجرای زنده مهارت دارد.

در اردیبهشت ۱۳۹۴، چاوشی در مصاحبه‌ای درباره‌عدم برگزاری کنسرت گفت: «در ایران کنسرت بیشتر شبیه جنگ شادی است تا کنسرت موسیقی، برف شادی می‌زنند و یکباره از توی جعبه در می‌آیند و روی سن ظاهر می‌شوند. صدابردار خوب هم که نداریم. برای همین در اغلب کنسرت‌ها نه هارمونی وجود دارد، نه آن صداهایی که لازم است مخاطب موسیقی از سازها بشنود و صدابرداری شود. فقط یک کار باری به هر جهت ارائه می‌دهند که من اهلش نیستم.»

بهمن بابازاده خبرنگار و دوست صمیمی چاوشی می‌گوید: «حضور چاوشی در سالن کنسرت مهدی یراحی تنها حضور او در اماکن عمومی و هنری است. ظهر همان روز با سینا حجازی و ایمان قیاسی بر سر موضوعی شرط‌بندی می‌کنند و چاوشی شرط را می‌بازد و قرار

می‌شود سرزده به برج میلاد بیایند. خودم با دوربین موبایلم آن عکس‌ها و ویدئوها را از حضور چاوشی در سالن گرفتم.» وی افزود: «چاوشی دو قرارداد کنسرت با «ر. ب» و «م. ج. پ» بسته است؛ هنوز هم معتبرند ولی چاوشی یک جواب دارد: بعد از کنسرت اول چی؟! روزمرگی و تکرار مثل بقیه؟ حتی قرار بود وقتی یانی به ایران بیاید چاوشی سوپرایز برنامه باشد و یک قطعه با آن ارکستر بخواند. اما چاوشی باز تن به این شرایط نداد.»

محسن چاوشی که تاکنون هیچ کنسرتی را اجرا نکرده است، به جز چند اجرا در برابر نزدیکان و همکارانش و البته دوربین گوشی خود، اجرای زنده‌ای نداشته است. با این حال عده‌ی دوستداران او بیداد می‌کنند، طرفدارانی که به قول خودش افرادی موسیقی‌شناس و اهل تفکر و تعقل در باب مفاهیم آثار او هستند.

محسن چاوشی مجموعاً نزدیک به سه میلیون دنبال کننده در اینستاگرام، توئیتر و تلگرام دارد. این خواننده با ثبت رکورد ۱۵۰ هزار شنونده ماهانه در اسپاتیفای، نام خود را به عنوان پرشنونده‌ترین خواننده فارسی‌زبان در این رسانه بین‌المللی ثبت کرد. پیشتر این رکورد در اختیار محسن یگانه قرار داشت.

### قمارباز

عمق ارتباط محسن چاوشی و مردم را در آثارش می‌توان دید، قطعه جنجالی وی به نام «خوزستان» که به صورت غیررسمی منتشر شد که با اقبال گسترده مردم روبه‌رو شد. قطعاتی چون، ای قوم به حج رفته، مسلخ، جنگ زده و… از جمله این آثاراند که از درد مردم خوانده است.

برخی از این آثار مانند، «خوزستان» و «مسلخ» غیر رسمی منتشر شده است.

وضعیت بد مردم خوزستان از لحاظ داشتن امکانات اولیه مانند آب و برق و هوای پاک که‌عدم رسیدگی مسئولان را نمایان می‌کرد و مردم را رنج می‌داد، بر حنجره‌ی خش دار چاوشی چنگ می‌زد و او با این موسیقی بار دیگر صدای مردم جنوب و یازتاب دهنده اشک خوزستان شد که در فضای غبارآلود شهر، توان دیدن آن مشکلات برای مسئولین نبود.

### فیره‌ای بی‌ادعا در شبکه‌های اجتماعی

چاوشی برای مردم فقط نخواند، بلکه دست به کار شد. اگر صفحات چاوشی را در دو و سه سال اخیر دنبال کرده باشید، شاهد آن هستید که او به همراه مخاطبان خود، تا کنون بیش از صدها زندانی غیر عمد، بیماران کم بضاعت و افراد نیازمند، را یاری نموده‌اند.

بهمن بابازاده در گزارشی که سازندگی منتشر کرده بود، نوشت: «در چهار ماه گذشته محسن چاوشی بالغ بر دو میلیارد تومان برای آزادی محکومین به اعدام، محکومان مالی و هزینه درمانی برخی افراد جمع آوری کرده است. آزادی بیش از صد زندانی توسط او فقط در ۴ ماه رخ داد.»

اتفاقی که چاوشی رقم زده است، اتفاق نادری نیست، امثال او در تاریخ بسیار بوده‌اند، جهان پهلوان، «غلامرضا تختی»، در جریان جمع آوری کمک به زلزله‌زدگان بوئین زهرا، حماسه‌ای آفرید. چاوشی نیز در حال حاضر با استفاده از شهرت و ثروت خود دست به کار خیر بزرگی زده است. فردی که می‌توانست بارها از ایران برود، قراردادهای چرب و نرم متفاوتی را تجربه کند، کنسرت‌های متعددی را برگزار کند، سایت

شرط‌بندی بزند؛ اما او تصمیم گرفت در تنهایی خود برای دل خود و مخاطبان‌ش بنویسد، برای درد مردم بخواند و صدای آرامش بخش آن‌ها باشد و ارزش هنر را در بستر موسیقی پاپ ایران از جایی که هست چند پله بالاتر ببرد. **محسن چاوشی کسی است که آلبوم قمار باز دارد، بر سر شهرتش با خواندن اشعار و مضامینی که کسی جرأت خواندنش را ندارد، قمار می‌کند؛ اما سایت قمار ندارد.**

## زنجیرهٔ محبت‌تان

## زمینه‌ساز آزادی

## ۲۳ زندانی شد.



Animation  
Animation  
Animation

# روح ایدئولوژی در کالبد انیمیشن

سید مجتبی هاشمی

## سرویس انیمیشن

در خلال آشنایی و ارتباط‌گیری دچار نوعی تعلیق می‌شود.

### طیف (نگ‌ها، دوربین و حرکت)

داکتر به خوبی از طیف رنگ‌ها برای تشریح جهان خود استفاده کرده است. استفاده از رنگ‌های خنثی و سرد در موقعیت دنیای زمینی و نماهایی با زوایای متوسط و با زاویه بالا در کنار تصویرگیری حرکتی و پول‌بک، فرصتی به مخاطب می‌دهد که درک بهتری از جهان مدرن مبتلا به روزمرگی، افسردگی، ابهامات فلسفی و اختلالات روان‌شناختی پیدا کند. در کنار آن معرفی دنیای قبض روح نیز با انتخاب طیف مشکی و سفید که به صورتی تقابل عصمت و تاریکی است را تجسم می‌کند. همچنین نقطه اوج بهره‌گیری از رنگ، فضا سازی محیط ورود به دنیای زمینی با رنگ آبی، بنفش و صورتی است که وجه اشتراک این سه رنگ پیام‌بر آرامش و نوعی آمادگی اولیه برای مواجهه با مقولات و اهداف است. بیان این نکته نیز قابل تامل است که موقعیت مدیتیشن و به نوعی خلسه نیز از طریق همین طیف و حین نماهای بسته و متوسط از شخصیت محوری به مخاطب تقدیم می‌کند. روح معناگرا و درون‌مایه کنش ساز از زاویه‌ای دیگر.

دنیای جو و شماره ۲۲ در مراتب زندگی و زیست روح‌گونه او تعریف و تشریح دنیای روح با پس از شناخت اولیه‌ای که کارگردان از جو و خانواده‌اش به مخاطب آغاز می‌شود. جرقه آشنایی مخاطب با دغدغه کارگردان، هنگامه‌ای است که جو در یک قدمی نیستی و قبض روح قرار می‌گیرد. بیننده در این نقطه و نما، با مرگ و صف انتظار قبض روح روبرو می‌شود. نقطه قابل توجه چند نمایی که کارگردان به توصیف این جهانی و آن جهانی می‌پردازد؛ نحوه قرارگیری پایین به بالای انسان‌ها و به نوعی محکوم به پذیرفتن موقعیت فعلی و آتی را به نمایش می‌گذارد.

حین تشریح این جهانی و آن جهانی جو، کارگردان سعی می‌کند با طرح کشمکش انسان و حیات، مخاطب را همراه با جو به دنبال بازگشت به دنیای زمینی است. پس از ارائه اولین چهره از بستری که موجب شد ریتم جریان تند، اما وزین تری به خود بگیرد؛ شرح درخور شناخت و رابطه روح و کالبد انسانی در دنیای پیشاتولد است. در این برهه از روایت، سلسله نماهایی که کارگردان به مخاطب تقدیم می‌کند اشاره کاملی به درون‌مایه قصه دارد و پیرامون این مهم شخصیت‌ها و قصه‌گویی جریان پیدا می‌کند و به مخاطب

روح آخرین ساخته پیت داکتر و محصول استودیو پیکسار است. این انیمیشن راوی زندگی جو گاردنر، معلم موسیقی و پیانیست سیاه‌پوستی است که می‌خواهد در جاز به مدارج عالییه برسد، اما زندگی روی خوشی به آن نشان نداده است. گاردنر در نقطه‌ای که سعی می‌کند اولین قدم برای موفقیت در جاز بردارد به کما می‌رود و این آغاز داستان جو گاردنر در دنیای برزخی و تلاش او جهت بازگشت به دنیای زمینی است.

### هدف، زندگی و پیوستی آن در نهد دقیقه!

داکتر، خالق شرکت هیولاها، آپ و درون به بیرون، در آخرین اثر خود پیام‌های اخلاقی هستی‌شناسانه و انسان‌شناسانه خود را به درون‌مایه مبدل می‌سازد. ایشان با در نظر گرفتن مجموعه‌ای از تعاریف مرگ و زندگی در قالب ادیان خدامحوری و مکاتب انسان‌محوری، گزینشی هدفمند انجام داده و با بازتولید برساخته‌های الهیاتی و روان‌شناختی، درون‌مایه مطلوب خود را به مخاطب تقدیم می‌کند. شاهد مثال این گزینش هدفمند ساخت دنیای چندلایه‌ای، فرشته‌های متمثل به صور قابل فهم، کیفیت قرار گرفتن روح در کالبد و حتی قبض آن است.





Disney Pixar

# COWL

برگرفته شده از سایت SNN



روح، اثری معناگرا، صریح و به تعبیری سمنار نمود دقیقه‌ای فلسفه و هستی پیکسار است. پیکسار در مسیر تعریف و تولید الهیات خود ابتدا از درون به بیرون را با محوریت روان‌شناسانه منتشر کرد. سپس با کوکو موقعیت معاد و هستی را سیل قرار داد و در روح با تجربه جدیدی از معناگرایی، مخاطب را درگیر و دچار تعلیق کرد.

تجربه بازخورد موفقیت‌آمیز روح باوجود برخورداری از مفاهیم پیچیده فلسفی، بیانگر این نکته است که مخاطب نسبت به طرح پرسش‌های چالشی از دریچه هنر هفتم و شیوه‌های تولید و عرضه محتوا استقبال می‌کند. روح، اعلان ابراز توجهات فلسفی و پدیدارشناسانه به دنیای سینما و انیمشین است.

در روح مخاطب جو و شماره ۲۲ می‌شود و در تعلیقی سنگین و نفس‌گیر قرار می‌گیرد. راهکار درمانی مکاتب و ادیان در مواجهه با پخش و توزیع کلاس فلسفه پیکسار، تمرکز بر اندیشه، محتوای معناگرا و فانتزی با سقلمه‌های دراماتیک و داستانی است.

به عقیده سورکین معناگرایی حرکتی از سوی سطحی‌گری رایج در برخی از آثار هنری و برساخته‌های اجتماعی به سوی تعمیق بخشیدن به معنا است. در صورت نوین‌تر معناگرایی، این مهم بر موقعیت ایده‌ها و ارزش‌ها به عنوان علل موثر تاکید داشته و کنش‌گری انسان‌ها را آینه تمام‌نمای انتخاب و اراده او می‌داند. معناگرایی همچنین تاکید ویژه‌ای بر این مقوله دارد که پدیده‌ها براساس آگاهی، شناخت، احساسات و نمادها توضیح داده می‌شود و تا حد زیادی به ذهن انسان مرتبط است. نقطه‌ای که از آن به عنوان معناگرایی یاد می‌شود؛ بستری است که داکتر و پیکسار در قله آن واقع هستند. سینمای داکتر همواره تأکیدات واضحی بر معرفت، احساسات و ارتباطات و نمادگرایی داشته است و هنگامه تلفیق آن با چیستی و نیل به هدف و شکوفایی استعداد، نقطه تلاقی داکتر، پیکسار و روح است.

چیزی که از سازنده روح برآمده درواقع نسخه‌ای است که کلیدواژه کنش متقابل نمادین را منعکس می‌سازد. جو و شماره ۲۲، با تفسیر آرا و کنش و زبان خود در چارچوب کلام و بدن، نشانه‌های معنایی همدیگر را تفسیر و به درک فردی و اجتماعی می‌رسند که توفیق آشکارای آن در انتخاب هدف



# انهدام یا امید؛ کدام روی سکه؟

ماده نیاری-کارشناس نقاشی

نقاشی‌های آیدین آغداشلو تقریباً در تمام ادوار حراج تهران حضور داشته‌اند. موضوعی که برخی را نسبت به کیفیت آثار او، کمی‌بودن آن‌ها یا بازآفرینی یک طرح ثابت حساس کرده است. درواقع آغداشلو سعی می‌کند با گزینش از آثار نقاشان نامدار پیشین ارتباط بیننده با اثر اصلی را بازسازی کند که خیلی‌ها معتقدند در نقاشی‌های آغداشلو این امر اتفاق نمی‌افتد.

حراجی تهران بهانه خوبی برای دور هم جمع‌شدن هنردوستان و معرفی آثار هنری می‌دانند. سوالی که مطرح می‌شود این است که آیا این رویداد می‌تواند جای مناسبی برای ارزیابی اثر هنری باشد؟ مهم‌ترین رویداد اقتصادی هنرهای تجسمی هربار یک حاشیه جدید رو می‌کند؛ فروش تابلوهای جعلی سهراب سپهری و پولشویی یکی از حواشی همیشگی این تجمع هنری بوده است؛ این حرف‌وحدیث‌ها آن قدر پررنگ هستند که در قسمت‌های ابتدایی سریال «آقازاده» کنایه‌های صریحی به حراج تهران زده شد؛ مافیای هنر، بحث آثار جعلی و سرمایه‌های هنگفتی که در این رویداد جابه‌جا می‌شود. اما بدون شک مهم‌ترین حاشیه و اتفاق این حراجی دیروز

اتفاق افتاد که البته بی‌ارتباط به حواشی قبلی نیست؛ تابلو «خاطرات امید» آیدین آغداشلو در این حراجی با قیمت ۱۲ میلیارد و پانصد میلیون تومان فروش رفت تا سیزدهمین دوره حراج تهران چند حاشیه و گمانه‌زنی را دوباره زنده کند. تا پیش از این گران‌ترین تابلوی فروخته‌شده در حراجی تهران تابلویی از سهراب سپهری بود که سال ۱۳۹۷ با قیمت ۵ میلیارد و ۱۰۰ میلیون تومان چکش خورد. آبان امسال در یک گزارش جنجالی تعدادی از شاگردان قدیمی آغداشلو ادعا کردند که آغداشلو آن‌ها را مورد آزار و اذیت جنسی قرار داده است. اینکه این حواشی در حاشیه حرفه هنری او اتفاق افتاده‌اند کمی داستان را عجیب می‌کند؛ پیشنهاد غیراخلاقی در قبال یک تابلو گران‌قیمت و اتفاقاتی که سر کلاس‌های او می‌افتد. این اتهامات را بارها خود آغداشلو تکذیب کرده است، او در متنی که بعد از این اتهامات نوشت آورده است: «در زندگی شخصی و اجتماعی‌ام هرگز خواسته‌ای را به کسی تحمیل



نکرده‌ام، چون جزئی از رفتار و روشم نبوده است. باید تأکید کنم که هر نوع تحمیل جنسی را اکیداً محکوم می‌کنم» ولی خیلی‌ها فروش تابلو او در دوره اخیر حراج تهران آن هم ده‌برابر قیمت پایه‌اش را به این حاشیه‌ها مرتبط دانسته‌اند. درواقع گویا این اتفاق به‌نوعی خرید آبروی بربادرفته آغداشلو بوده است. درباره اثر «خاطرات امید» در کاتالوگ سیزدهمین دوره حراج تهران آمده است: «اثر پیش‌رو یکی از متأخرترین آثار هنرمند از مجموعه خاطرات انهدام است؛ مجموعه‌ای که بیش از چهل سال است ادامه یافته و بخشی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین آثار نقاش را شامل می‌شود. اهمیت این مجموعه جدای از استمرار سال‌های متوالی، از نگرش خاص هنرمند به هستی ناشی شده و به عنوان اصلی‌ترین وجه تفکربرانگیز خلق اثر هنری او محسوب می‌شود. انسان‌های تصویر شده در این مجموعه، به فرد خاص تاریخی و یا اسطوره‌ای اشاره ندارند، بلکه مفهوم انسان را در کلی‌ترین و اصیل‌ترین صورت خود تصویر می‌کنند که به واسطه دور شدن از مرزهای اخلاق و سنت‌های گذشته، در حال تخریب و مرگی تدریجی است.» در معرفی این مجموعه آمده است که برداشت از نقاشی‌های رنسانس بازآفرینی و بعد منهدم می‌شوند. رکورددار حراج تهران، یعنی تابلوی نقاشی دو لته «خاطرات امید» از مجموعه «خاطرات انهدام آیدین» آغداشلو با تکنیک گواش و مدادرنگی خلق شده است. باید ببینیم این اثر با تمام حواشی‌اش باعث انهدام آغداشلو در هنر معاصر می‌شود یا امید را دوباره برای او زنده می‌کند.

## سرویس، سهراب‌های تجسمی



# یک لقمه کتاب



## ای کاش وقتی ۲۰ ساله بودم می دانستم!



مریم نیاری - ارشد آسیب شناسی و حرکات اصلاحی  
دانشگاه کیلان

کتاب ای کاش وقتی بیست ساله بودم می دانستم، اثر تینا سیلیگ، نویسنده، کارآفرین و استاد دانشگاه استنفورد، برای نخستین بار در سال ۲۰۰۹ منتشر شد. این کتاب از همان ابتدای انتشارش فروش فوق العاده‌ای داشت و جز بهترین کتاب‌های خودشناسی قرار گرفت است. پروفسور سیلیگ در این کتاب همه‌ی قوانین گذشته را کنار می‌زند و با ارائه‌ی قوانینی جدید تفکر خارج از عرف را به خواننده آموزش می‌دهد.

او درباره‌ی این کتاب می‌نویسد: «ذهن ناهشیار را می‌توان به کامپیوتری تشبیه کرد که بعضی از داده‌های آن نادرست است. مطالعه‌ی این کتاب مجالی است شگفت تا گرایش‌هایی را که نسبت به زندگی دارید دقیق‌تر بنگرید و از شر بسیاری از الگوهای معیوب گذشته که در ژرفای وجودتان ریشه دوانده رها شوید. آنگاه خواهید دید که روابطتان با مردم، ایده‌ها و اشیا، معنایی یکسره متفاوت پیدا خواهد کرد. به همین دلیل این کتاب و نقطه نظرهايش برای افرادی که مایلند انسان کارآمدی باشند و از تمام توانایی‌های خود بهره ببرند گنجینه‌ای بسیار ارزنده است.»

فاطمه فاطمه است، کتابی به زبان فارسی و متن پیاده شده و تصحیح شده سخنرانی علی شریعتی در حسینیه ارشاد است. این کتاب به زبان‌های عربی، انگلیسی، فرانسه و اندونزیایی ترجمه شده و علاوه بر چاپ فارسی آن به صورت مستقل، در کتاب «زن» از مجموعه آثار شریعتی نیز به همراه چند اثر دیگر چاپ شده است.

مقالات بسیاری با نگاه جامعه‌شناختی و اسلامی و شیعی درباره کتاب نوشته شده و حتی برخی کتاب‌ها و مقالات، با الهام از متن یا عنوان این کتاب، چاپ و منتشر شده است.

شریعتی در این کتاب، مخاطب خود را زنانی می‌داند که به دنبال الگوگیری از شخصیت حضرت زهرا (س) هستند. او توجه بیش از اندازه به نقل کرامات و بی‌توجهی به آنچه باید از فاطمه آموخت را مورد انتقاد قرار داده است.

کتاب فاطمه فاطمه است، اولین بار در سال ۱۳۵۰ منتشر شد. این کتاب در فراز نامی و مشهور آن خلاصه می‌شود که بیان می‌شود:

اینک لحظه وداع با علی (ع)

چه دشوار است. اکنون علی باید در دنیا بماند. سی سال دیگر! فرستاد «ام رافع» بیاید، وی خدمتکار پیغمبر (ص) بود. او خواست که ای کنیز خدا، بر من آب بریز تا خود را شست و شو دهم. با دقت و آرامش شگفتی، غسل کرد و سپس جامه‌های نویی را که پس از مرگ پدر کنار افکنده بود و سیاه پوشیده بود، پوشید، گویی از عزای پدر بیرون آمده است و اکنون به دیدار او می‌رود. به ام رافع گفت: بستر مرا در وسط اتاق بگستران. آرام و سبکبار بر بستر خفت، رو به قبله کرد، در انتظار ماند.

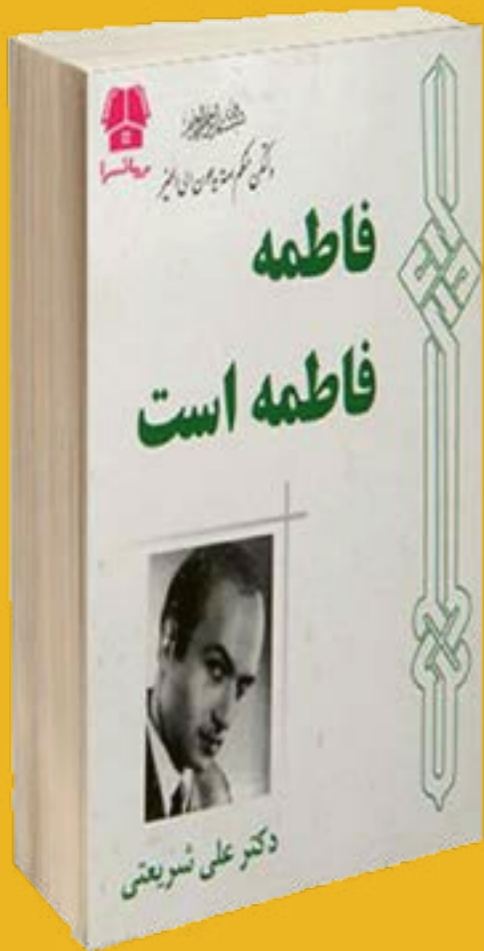
لحظه ای گذشت و ناگهان از خانه شیون برخاست. پلک‌هایش را فروبست و چشم‌هایش را به روی محبوبش - که در انتظار او بود - گشود. شمعی از آتش و رنج، در خانه علی خاموش شد و علی تنها ماند با کودکانش. از علی خواسته بود تا او را شب دفن کند، گورش را کسی نشناسد و علی چنین کرد. اما کسی نمی‌داند که چگونه؟ و هنوز نمی‌داند کجا؟ در خانه‌اش؟ یا در بقیع؟ معلوم نیست.

فاطمه این‌چنین زیست و این‌چنین مرد و پس از مرگش زندگی دیگری را در تاریخ آغاز کرد. در چهره همه ستمدیدگان که بعدها در تاریخ اسلام بسیار شدند هاله‌ای از فاطمه پیدا بود. غصب شدگان، پایمال شدگان و همه قربانیان زور و فریب نام فاطمه را شعار خویش داشتند. یاد فاطمه، با عشق‌ها

و عاطفه‌ها و ایمان‌های شگفت زنان و مردانی که در طول تاریخ اسلام برای آزادی و عدالت می‌جنگیدند، در توالی قرون، پرورش می‌یافت و در زیر تازیانه‌های بی‌رحم و خونین خلافت‌های جور و حکومت‌های بیداد و غصب، رشد می‌یافت و همه دل‌های مجروح را لبریز می‌ساخت. این است که همه جا در تاریخ ملت‌های مسلمان و توده‌های محروم در امت اسلامی، فاطمه منبع الهام آزادی و حق‌خواهی و عدالت‌طلبی و مبارزه با ستم و قساوت و تبعیض بوده است. از شخصیت فاطمه سخن گفتن بسیار دشوار است. فاطمه، یک «زن» بود، آن چنان که اسلام می‌خواهد که زن باشد. تصویر سیمای او را پیامبر خود رسم کرده بود و او را در کوره‌های سختی و فقر و مبارزه و آموزش‌های عمیق و شگفت انسانی خویش پرورده و ناب ساخته بود. وی در همه ابعاد گوناگون زن بودن نمونه شده بود. مظهر یک دختر، در برابر پدرش. مظهر یک همسر در برابر شویش. مظهر یک مادر در برابر فرزندانش. مظهر یک «زن مبارز و مسئول» در برابر زمانش و سرنوشت جامعه‌اش. وی خود یک «امام» است، یعنی یک نمونه مثالی، یک تیپ ایده‌آل برای زن، یک «اسوه»

یک شاهد برای هر زنی که می‌خواهد شدن خویش را خود انتخاب کند. او با طفولیت شگفتش، با مبارزه مدامش در دو جبهه خارجی و داخلی، در خانه پدرش، خانه‌ی همسرش، در جامعه‌اش، در اندیشه و رفتار و زندگی‌اش، «چگونه بودن» را به زن پاسخ می‌داد. نمی‌دانم چه بگویم؟ بسیار گفتم و بسیار ناگفته ماند. در میان همه جلوه‌های خیره‌کننده روح بزرگ فاطمه، آنچه بیشتر از همه برای من شگفت‌انگیز است این است که فاطمه همسفر و همگام و هم پرواز روح عظیم علی است. او در کنار علی تنها یک همسر نبود، که علی پس از او همسرانی دیگر نیز داشت. علی در او به دیده یک دوست، یک آشنای دردها و آرمان‌های بزرگش می‌نگریست و انیس خلوت بیکرانه و اسرارآمیزش و همدم تنهایی‌هایش. این است که علی هم او را به گونه دیگری می‌نگرد و هم فرزندان او را. پس از فاطمه، علی همسرانی می‌گیرد و از آنان فرزندان می‌یابد. اما از همان آغاز، فرزندان خویش را که از فاطمه بودند با فرزندان دیگرش جدا می‌کند. اینان را «بنی‌علی» می‌خواند و آنان را «بنی‌فاطمه». شگفتا، در برابر پدر، آن هم علی، نسبت فرزند به مادر و پیغمبر نیز دیدیم که او را به گونه‌ی دیگر می‌بیند. از همه‌ی دخترانش تنها به او

سخت می‌گیرد، از همه تنها به او تکیه می‌کند. او را در خردسالی مخاطب دعوت بزرگ خویش می‌گیرد. نمی‌دانم از او چه بگویم؟ چگونه بگویم؟ خواستم از بوسوئه تقلید کنم، خطیب نامور فرانسه که روزی در مجلسی با حضور لویی، از مریم سخن می‌گفت. گفت: هزار و هفت صد سال است که همه سخنوران عالم درباره مریم داد سخن داده‌اند. هزار و هفت صد سال است که همه فیلسوفان و متفکران ملت‌ها در شرق و غرب، ارزش‌های مریم را بیان کرده‌اند. هزار و هفت صد سال است که شاعران جهان در ستایش مریم همه ذوق و قدرت خلاقه‌شان را به کار گرفته‌اند. هزار و هفت صد سال است که همه هنرمندان، چهره‌نگاران، پیکرسانان بشر، در نشان دادن سیما و حالات مریم هنرمندی‌های اعجاز‌گر کرده‌اند. اما مجموعه گفته‌ها و اندیشه‌ها و کوشش‌ها و هنرمندی‌های همه در طول این قرن‌های بسیار، به اندازه این کلمه نتوانسته‌اند عظمت‌های مریم را بازگویند که: مریم (س)، مادر عیسی (ع) است و من خواستم با چنین شیوه‌ای از فاطمه بگویم. باز درماندم خواستم بگویم، فاطمه دختر خدیجه‌ی بزرگ است، دیدم فاطمه نیست. خواستم بگویم که فاطمه محمد است؛ دیدم که فاطمه نیست. خواستم بگویم که فاطمه همسر علی است؛ دیدم که فاطمه نیست. خواستم



بگویم که فاطمه مادر حسین است، دیدم که فاطمه نیست. خواستم بگویم، که فاطمه مادر زینب است، باز دیدم که فاطمه نیست. نه، این‌ها همه هست و این همه فاطمه نیست. فاطمه، فاطمه است.

# سرودیس خبری

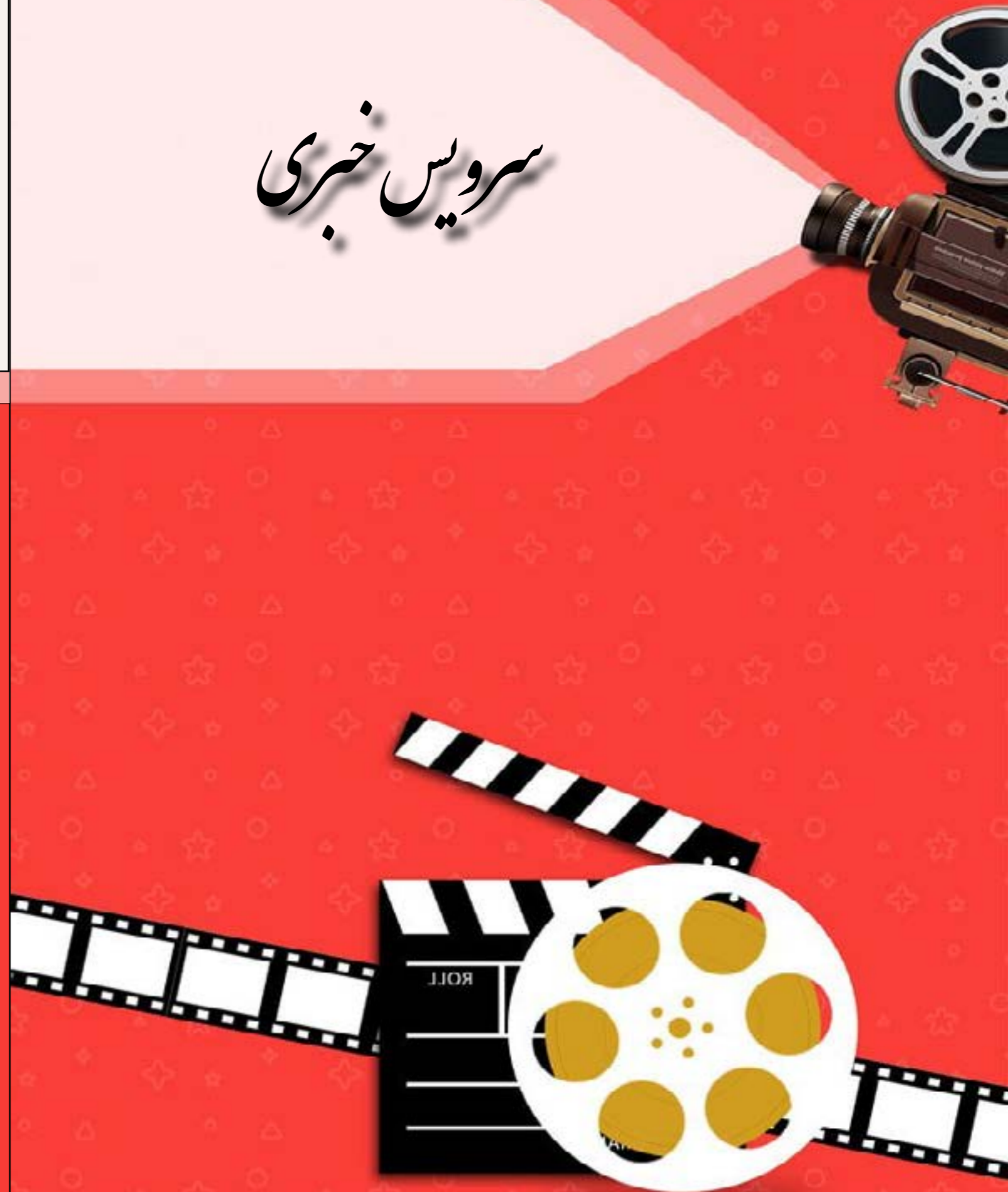
آلبوم «روشن‌تر از خاموشی» به آهنگسازی مسین علیزاده و با آواز شهرام ناظری مجوز انتشار گرفته است. این جدیدترین همکاری دو بزرگ موسیقی ایرانی پس از سالهاست. خبری فوش در همه این روزهای نافوش و مسموم موسیقی ایران.

خبرها مایه‌ای از آن است که جشنواره موسیقی فجر، امسال در سالن هزار نفره آبنمای موزیکال کیش برگزار خواهد شد. مذاکره با گروه‌های پاپ آغاز شده و با توجه به پیش‌بینی عدم استقبال در تهران و فروش نرفتن بلیت‌ها، هیات برگزاری تصمیم به برگزاری بخش پاپ در کیش را گرفته است. جشنواره و درآمدزایی توأماً!

آلبوم جدید همایون شجریان با آهنگسازی «فردین فلجبری» در مرداد ماه سال ۱۴۰۰ منتشر خواهد شد. مهم‌ترین وجه تمایز این اثر بخش بین‌المللی آن است. یک مجموعه خصوصی اسپانسر پروژه خواهد بود. پیش‌تر و در سال ۹۶ آلبوم «امشب کنار غزل‌های من بخواب» حاصل همکاری همایون و فلجبری منتشر شده بود.

فناننده پاپ آذری رمیم شهریاری بالغ بر صد و بیست‌و‌شش با اجرای کنسرت آنلاین در اینستاگرامش به رکورد بیش از پنج میلیون بیننده رسیده و امروز از نامه‌نگاری‌های رسمی با شرکت طرف قراردادش در آمریکا با گینس برای ثبت این رکورد در اینستاگرامش خبر داده است.

دو کتاب جدید از «مسین صفا» منتشر شد. «این دست بی‌صدا» که مجموعه غزل‌های مدرن این شاعر است و «آه به فط بریل» که مجموعه‌ای از جدیدترین شعرهای سپید این شاعر مسموم می‌شود، منتشر شدند. «این دست بی‌صدا» چهارمین دفتر از غزل‌های مدرن مسین صفا است که می‌توان گفت شکل تکمیل شده غزلی‌ست که صفا در سه مجموعه غزل پیشین خود ارائه کرده‌است.



## فراخوان همکاری با گاهنامه (آینه جادو)

اولین نشریه سینمایی رسانه ای دانشگاه الزهرا(س) از کلیه علاقه مندان، اساتید و دانشجویانی که خواستار همکاری با این نشریه هستند، دعوت می کند مقالات و مطالب و رزومه خود را به همراه مشخصات کامل {نام، نام خانوادگی، آخرین مدرک تحصیلی، مقطع تحصیلی فعلی و دانشگاه محل تحصیل} به آیدی مدیر مسئول این نشریه ارسال نمایند.

محور اصلی این نشریه مسائل سینما، رسانه، تلویزیون، هنرهای تجسمی، موسیقی و فرهنگی است.

مدیر مسئول: مائده نیساری

 [maedeh.neysari@yahoo.com](mailto:maedeh.neysari@yahoo.com)

نام مجموعه: امید صیقل فورده!  
عکاس: مائده نیساری

دانشجوی کارشناسی نقاشی



